



<https://ssoss.ui.ac.ir/?lang=en>

**Strategic Research on Social Problems**

E-ISSN: 3041-8623

Vol. 12, Issue 4, No.43, Winter 2024, pp. 1-22

Received: 30.09.2023 Accepted: 20.02.2024

### Research Paper

## Kolbari and Its Identity Implications: Thematic Analysis of the Narrative of Kolbars in Baneh

Omid Ghaderzadeh\* 

Associate professor, Department of Sociology, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran  
o.ghaderzadeh@uok.ac.ir

Adil Resuli

Master's degree in Sociology, Department of Sociology, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran  
resuliadil@gmail.com

### Introduction

Baneh, located in Iranian Kurdistan, is a mountainous city situated near the border. Due to its distance from the city center and chronic underdevelopment, the border has emerged as a sustainable livelihood option for the region. Over the past few decades, a significant portion of the population in Baneh has come to depend on the border with "Kolbari" becoming a primary means of earning a living. The term "Kolbari" consists of two parts: "Kol", which in Kurdish means carrying a load by hand or on the shoulder, and "Bari", which means to carry. A Kolbar is an individual, who transports goods across rugged mountain paths from one side of the border to the other in exchange for wages. The lives of many border residents revolve around the practice of Kolbari. Today, Kolbari is not only a source of income or a common occupation, but it has also developed into a distinct lifestyle and subculture. From a sociological perspective, the role of lifestyle in shaping identity is undeniable. Therefore, the objective of this research was to examine the identity implications of Kolbari and its associated meanings.

### Materials and Methods

The primary objective of this research was to explore the understanding of Kolbars in terms of their sense of otherness and the process of identification. To achieve this goal, a qualitative methodology and thematic analysis were deemed appropriate as the method and strategy for data management and analysis. Thematic analysis is a method used to identify and analyze patterns within qualitative data (Clarke & Braun, 2013: 1). The focus of this research was on individuals, who had a minimum of three years of experience as Kolbars in the city of Baneh and possessed a thorough understanding of this way of life. Data collection was conducted through semi-structured interviews. A purposeful sampling approach was employed, selecting 19 Kolbars with an emphasis on maintaining maximum diversity among participants. The collected data were then analyzed using thematic analysis and data coding was facilitated using Maxqda software.

Despite being a compulsory phenomenon, Kolbari was perceived by most Kolbars as a matter of honor, a source of pride, and a means to protect human dignity. Kolbars viewed their experience as migrant labor as disrespectful to their Kurdish identity and a threat to their honor and security. Consequently, they interpreted Kolbari as a way to regain their honor and escape the dishonorable experiences associated with migrant work. The themes that emerged from the narratives of Kolbars indicated their willingness to endure the hardships of Kolbari in order to earn a "proud bread". Kolbari was seen as a means to escape subordination and reclaim a sense of liberation from otherness. Despite the challenging encounters with border institutions, experiences of disrespect, physical and psychological torture, and the subsequent harassment and expenses following arrests, it was important to avoid interpreting Kolbari solely as a result of structural coercion. Rather, it was necessary to understand how Kolbars themselves perceived and interpreted this occupation. Kolbars chose this profession over spying on

### Discussion of Results & Conclusion

\*Corresponding author

Ghaderzadeh, O., & Resuli, A. (2024). Kolbari and its identity implications: Thematic analysis of the narrative of kolbars in Baneh. *Strategic Research on Social Problems*, 12(4), 1-22.

3041-8623/ © University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC-ND/4.0/ License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).



<https://doi.org/10.22108/srsp.2024.139282.1943>

their peers and colleagues, considering it an honorable occupation. Their narratives rejected the perception of Kolbari as involvement in smuggling or aggression. According to the interviewees, Kolbari was interpreted as a struggle for survival and a dignified means of livelihood that preserved their sense of dignity. On a macro level, Kolbari represented a form of social exclusion. It reflected power deprivation and double marginalization experienced by the Kurdish population.

Additionally, Kolbari served as a platform for defining and redefining insider and outsider boundaries. It was influenced by Kurdish cultural differentiation and simultaneously shaped the identity of Kolbars in unique ways, calling for a distinct

identity. These findings aligned with the results of Soleimani and Mohammadpour (2020).

In the narratives, the confrontation between Kurdish Kolbars and non-Kurdish officers was often generalized to encompass all border and governance institutions. Therefore, when discussing otherness, Kolbars explicitly referred to border agents, institutions, and government representatives. One could interpret Kolbar's "transgression" of the border as an act of defiance against the government and a challenge to the official narrative surrounding borders.

**Keywords:** Bare Life Experience, Social Exclusion, Honorable Life, Kolberi, Ethnicity, Protective Shield



پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی  
سال دوازدهم، شماره پیاپی (۴۳)، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۲، ص ۱-۲۲  
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱

مقاله پژوهشی

## کولبری و دلالت‌های هویتی آن: تحلیل مضمون روایت کولبران بانه

امید قادرزاده\* ID، دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

o.ghaderzadeh@uok.ac.ir

عادل رسولی صدبار، دانشجوی کارشناسی ارشد گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان،

سنندج، ایران

resuliadil@gmail.com

### چکیده

هدف پژوهش حاضر، مطالعه کولبری به مثابه سبک زندگی با دلالت‌های هویتی است. روش‌شناسی پژوهش، کیفی و از تحلیل مضمون در مقام روش و استراتژی مدیریت و تحلیل داده‌ها بهره گرفته شده است. میدان مطالعه‌شده، کولبران شهرستان بانه‌اند. برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. در همین راستا ۱۹ نفر از کولبران با روش نمونه‌گیری هدفمند و با حفظ حداکثر تنوع انتخاب شدند. بر مبنای تحلیل مضمونی داده‌ها، ۴ مضمون اصلی به شرح زیر استخراج شد: در ارتباط با معانی کولبری، به دو مضمون اصلی «مبارزه برای حفظ کرامت» و «تجربه حیات برهنه» دست یافتیم. در ارتباط با دلالت‌های هویتی کولبری، دو مضمون اصلی «تردید در بازشناسی کولبر به مثابه ایرانی» و «قومیت به مثابه سپر محافظتی» به دست آمد. این‌همانی گردیدن با کولبری، بازنمای طرد اجتماعی ساختاری مناطق مرزی است و بر دگردیسی کولبری از یک امر اقتصادی و معیشتی صرف، به کرداری سیاسی- فرهنگی و هویتی دلالت دارد که از سوی کولبران به شیوه‌ای مبدعانه فهم و تفسیر می‌شود و روایت مسلط را به چالش می‌کشد.

**واژه‌های کلیدی:** تجربه حیات برهنه، طرد اجتماعی، زندگی شرافتمندانه، کولبری، قومیت به مثابه سپر محافظتی.

\* نویسنده مسؤول

قادرزاده، ا. و رسولی صدبار، ع. (۱۴۰۲). کولبری و دلالت‌های هویتی آن: تحلیل مضمون روایت کولبران بانه. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی، ۱۲(۴)، ۱-۲۲.



## مقدمه

و اختلاط به سر می‌برند، برای کاسب‌کاران، تجار، بازرگانان، پبله‌وران و ترخیص‌کاران، ابهام، اتلاف وقت و هزینه‌های بسیاری در پی داشته است (قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۸۴). شهرستان بانه از تحولات ساختاری و وابستگی فزاینده به مرکز در امان نمانده است، به طوری که در چند دهه اخیر، درآمد بخش درخور توجهی از مردمان این منطقه به مرز وابسته و «کولبری» به یکی از راه‌های اصلی ارتزاق تبدیل شده است. نکته چشمگیر آن است که این شهرستان در سال‌های اخیر، از قطب‌های جاذب جمعیتی استان کردستان بوده و از لحاظ منطقه‌ای، بیشترین سهم را در افزایش جمعیت تجربه کرده است و هم‌اکنون با رشد سالیانه جمعیتی نزدیک به ۴ درصد، بالاترین میزان افزایش جمعیت را در استان دارد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). این وضعیت موجب پایداری ساختار سنی جوان شهرستان شده و با توجه به افزایش جمعیت در سن کار، مسئله کار و معیشت ساکنان را با توجه به گسترش کولبری پیچیده‌تر کرده است. هرچند آمار رسمی از تعداد کولبران منتشر نشده است، اما با استناد به مطالعه خضرپور و همکاران (۱۳۹۷)، «دو شهر بانه و میوان، دارای بیشترین تعداد کولبر می‌باشند». بر مبنای شواهد میدانی، شمار درخور توجهی از افراد و خانوارها مستقیم و غیرمستقیم با این پدیده درگیرند. «کولبران طیف‌های سنی با مدارج تحصیلی و شغل‌های متفاوت را شامل می‌شوند» (عنبری و عبده‌زاده، ۱۳۹۹: ۱۶۲؛ Soleimani & Mohammadpour, 2020: 4-5؛ زارع شاه‌آبادی و محمدی، ۱۴۰۰: ۱۴۴). برخی پژوهش‌ها به پایین آمدن متوسط سن کولبران (هدایت و باسیتی، ۱۳۹۹: ۱۴۱) و حتی کولبری زنان (پوزشی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱) اشاره داشته‌اند. این امر گستردگی، دوام، فراگیری و همیشگی شدن این پدیده را نشان می‌دهد. بیشتر مرزنشینان، کولبری را زیست کرده و زیست‌جهان آنها حول تجربه کولبری سامان یافته است. امروز کولبری یک منبع درآمد و الگوی معیشتی یا شغلی رایج نیست، بلکه نوعی سبک زندگی و خرده‌فرهنگ است؛ زیرا کولبری در گذر زمان، هنجارها و قواعد فرهنگی و اجتماعی، شبکه کنشگران، ارتباطات و مناسبات نهادی خاص خود را شکل داده است. نقشی که سبک زندگی در برساخت هویت و هویت‌یابی دارد،

شهرستان بانه، یکی از شهرستان‌های مرزی و کوهستانی در استان کردستان است. دوری از مرکز، موقعیت مرزی و تداوم پیامدهای هشت سال جنگ ایران و عراق، که اقتصاد مبتنی بر کشاورزی و دامداری منطقه را با آسیب‌های جبران‌ناپذیری روبه‌رو کرد، در کنار توسعه نیافتگی مزم، مرز را به بدیل معیشتی پایدار در منطقه مبدل کرده است. بازارچه‌های مرزی، نوعی راهبرد نهادی واکنشی با هدف سامان بخشی به اقتصاد غیررسمی و مدیریت پیامدهای چند جانبه اقتصاد مرزی است که در دولت‌های پس از جنگ در دستور کار قرار گرفت. «دولت‌های بعد از جنگ تحمیلی، با فراهم کردن بسترهای دادوستد در قالب سیاست‌گذاری، تصویب قوانین و نهادسازی، تجارت مرزی را همچون شیوه‌ای برای سازمان‌دهی اقتصاد جامعه و دست‌یافتنی‌ترین راه برون‌رفت از توسعه نیافتگی در این مناطق بدل کردند، تا جایی که این‌گونه اقدامات به طرز نانوشته‌ای، به شیوه‌های غیررسمی تجارت مرزی مقبولیت و مشروعیت بخشید» (امیرپناهی، ۱۳۹۷: ۸۸). از سال ۱۳۸۴ از جانب نیروهای انتظامی و ستاد مبارزه با قاچاق، در کنار معابر و بازارچه‌های رسمی، ایجاد بازارچه‌های موقت یا همان «معابر کولبری» در دستور کار قرار گرفت و چندین معبر کولبری در کردستان ایجاد شد. اداره این معابر بر عهده مرزداران بود و وزارت صنعت، معدن و تجارت بر آن نظارتی نداشت (خضری، ۱۳۹۶: ۹۲). «گرچه بازارچه‌های مرزی با هدف ایجاد اشتغال و تأمین معیشت، کنترل قاچاق کالا و افزایش امنیت تأسیس گردید، اما نمی‌توان به این نتیجه رسید که این اهداف محقق شده‌اند» (ولیعقلی‌زاده و حسین‌نژاد، ۱۳۹۵: ۲). افراد ساکن در روستاهای تا شعاع ۱۵ کیلومتری مرزی، دفترچه کولبری رسمی داشتند و از معابر موقت غیررسمی قادر به ورود ۱۰۰ قلم کالای تأییدشده گمرک و وزارت صنعت، معدن، و تجارت‌اند. هم‌زمان با دایر شدن بازارچه‌ها و توقف فعالیت آن در سال ۱۳۹۶، کولبری به صورت غیررسمی تداوم پیدا کرده است. تداخل و درهم‌ریختگی سازمان‌ها و نهادهایی که بنابر دلایل ویژه‌ای در بازارچه‌های مرزی حضور دارند، اما به لحاظ مسئولیتی و کارکردی در نوعی سردرگمی و یا درهم‌ریختگی

شهروندی معلق، تبعیض نهادی، کرامت‌زدایی، حاشیه‌ای‌شدن فزاینده، تماشایی‌شدن، زیست‌جهان ناامن و زیست‌دردمند دلالت دارد. کولبری پدیده‌ای ساختاری و تاریخی است که سازوکارهایی آن را شکل داده و تداوم بخشیده است، کولبری محصول طرد است و تداوم آن، به طرد مضاعف می‌انجامد.

در مرور پیشینه تجربی، این نکته خودنمایی می‌کند که پژوهش درباره کولبری، سیر فزاینده‌ای به خود گرفته است. پژوهش‌های مذکور به نوعی این نکته را تأیید می‌کنند که کولبری در نواحی گردنشین، به‌طور عام و در میدان مطالعه شده به‌طور خاص، امری بستمند و تاریخی است که تحت تأثیر شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی ایجاد شده است. اما بخش عمده این پیشینه پژوهشی به زمینه‌ها و بسترهای کولبری معطوف است (خضری، ۱۳۹۶؛ خضری‌پور و همکاران، ۱۳۹۷؛ احمدرش، ۱۳۹۷؛ افضل‌ی و رنجبری چیچوران، ۱۳۹۹؛ محمودی و مرادی، ۱۴۰۰؛ قادرزاده و غیاثوند، ۱۴۰۱). آنچه در این پژوهش‌ها غایب است، هویت‌یابی به میانجی کولبری است. برخی از مطالعات با این‌همانی کولبری با قاچاق، صورت مسئله را پاک کرده‌اند (برای نمونه، اصلانی اسملرز و همکاران، ۱۳۹۴). وجه متمایز پژوهش کنونی، توجه به زیست‌جهان کولبران و دلالت‌های هویتی کولبری و مرزبندی‌های هویتی کولبران است. پژوهش حاضر با گذار از گفتمان مسلط بر بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده که با «قربانی‌انگاری کولبران» و مفهوم‌سازی آن به‌مثابه «اشتغال کاذب» و «قاچاق» در صدد سیاست‌زدایی و هویت‌زدایی از کولبری و کولبران‌اند، با به‌خدمت‌گیری مفهوم «سبک زندگی و خرده‌فرهنگ»، چشم‌انداز دیگری را پیش می‌کشد و از «فرودست‌انگاری» کولبران حذر می‌کند.

### سازه‌های مفهومی و نظری

در پژوهش کیفی حاضر، از سازه‌های طرد اجتماعی، خرده‌فرهنگ، سبک زندگی و هویت مقاومت به‌مثابه مفاهیم حساس در فهم معنای کولبری در نزد نمونه‌ای از کولبران بهره گرفته شده است. مناطق مرزی از توسعه‌نیافتگی رنج می‌برند و توسعه‌نیافتگی مناطق مرزی، بر طرد اجتماعی در سطح کلان دلالت دارد. بر همین اساس، مفهوم طرد اجتماعی، مفهومی

از نظر جامعه‌شناختی، امری مسلم و انکارناپذیر است. «منظور از سبک زندگی در اینجا، مجموعه‌ای از عملکردهاست که علاوه بر رفع نیازهای جاری، تجسم‌بخش روایت خاصی از هویت فرد در برابر دیگران است» (گیدنز، ۱۳۹۰؛ ۱۲۰). مدعای پژوهش کنونی این است که امروزه کولبران به کولبری همچون سبک زندگی می‌نگرند که حامل دلالت‌های هویتی ویژه‌ای است. مطالعه تجربه زیسته کولبران و هویت‌یابی که به میانجی این زیست‌جهان و سبک زندگی تکوین می‌یابد، اهمیت علمی و عملی دارد. به این ترتیب هدف پژوهش حاضر، مطالعه دلالت‌های هویتی کولبری و معانی مرتبط با آن است.

### ادبیات تجربی

در چند دهه اخیر، پژوهش‌های مبسوطی درباره کولبری تولید شده است. در اینجا بر تحقیقاتی تأکید می‌شود که ارتباط موضوعی و میدانی بیشتری با پژوهش حاضر دارند. خضری (۱۳۹۶) مجموعه مقالاتی را با عنوان «پیداوپنهان کولبری» گردآوری کرده است. بخش درخور توجهی از مقالات و گفت‌وگوها به زمینه‌های کولبری (توسعه نامتوازن، شناسایی نکردن پتانسیل‌ها و نبود توسعه محلی، مدیریت تمرکزگرا و شرایط اقتصادی نواحی مرزی) معطوف بوده و تجربه زیسته کولبران کمتر بررسی شده است. افضل‌ی و رنجبری چیچوران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «پیامدهای سیاسی-اجتماعی کولبری در نواحی غرب کشور»، تبعات سیاسی-اجتماعی پدیده کولبری را در نواحی مرزی غرب کشور به روش اسنادی بررسی کرده‌اند. بر مبنای یافته‌ها، کولبری در ابعاد اجتماعی، پیامدهایی چون بارورنشدن استعدادهای فردی و ظرفیت‌های منطقه، مهاجرت و حاشیه‌نشینی، بی‌اعتنایی به کرامت انسانی و تضعیف اعتماد به نفس، تشدید شکاف‌های طبقاتی، لطمه به بنیاد خانواده و در ابعاد سیاسی، پیامدهای تشدید احساس تبعیض و کاهش مشارکت سیاسی، اعتراضات و اعتصابات و تشدید ناحیه‌گرایی را در منطقه به‌همراه خواهد داشت. پژوهش غیاثوند و همکاران (۱۴۰۲) نشان می‌دهد تجربه زیسته کولبران در میدان تجارت مرزی بر بی‌قدرتی، بروکراتیزه‌شدن،

اجتماعی، ممکن است طرد اجتماعی عمدی یا نهادی، چهره به چهره یا غیرشخصی باشد؛ صرف نظر از این، به‌طور غیرارادی دسترسی به زندگی اجتماعی را محدود می‌کند و مانع از ایفای نقش‌های اجتماعی تجویز شده به‌طور هنجاری می‌شود. معنای «طرد اجتماعی» براساس بافت اجتماعی متفاوت است، به طوری که قواعد مسلط فرهنگی، قانونی و دیگر قواعد عضویت یا واجد شرایط بودن، یک نقطه مرجع برای ارزیابی این را فراهم می‌کند که چه کسی «در» و چه کسی «خارج» است. رویکرد سازه‌گرایانه به ناسیونالیسم، ملت را پروژه‌ای سیاسی و ایدئولوژیک نخبگان می‌بیند که برای ترسیم مرزهای شمول، حول یک اجتماع سرزمینی یا قومی ترسیم می‌شود و روایت همگن را درباره ارزش‌ها، تاریخ و شیوه زندگی تحمیل می‌کند. ناسیونالیسم تنها فرآیند شمولیت و ساخت اجتماع نیست، بلکه از فرآیند طردشدن به‌ویژه در شرایط تفاوت مذهبی، زبانی یا دیگر عناصر فرهنگی ناشی می‌شود؛ بنابراین ممکن است ناسیونالیسم، مرزهای گسترده یا باریکی را از تعلق ایجاد کند که در قوانین مربوط به مهاجران برای کسب تابعیت، منعکس می‌شود. غریبه‌ها، هم‌رژیم‌ها و هویت ملی را به چالش می‌کشند و هم احساس «ما» را در بین خودی‌ها ایجاد می‌کنند (Silver, 2019: 3). ترکیب نژادی، قومی و مذهبی در هر جامعه‌ای متفاوت است و پتانسیل طرد را بر مبنای ترکیب اجتماعی و فرهنگی ایجاد می‌کند. طرد اجتماعی، خرده‌فرهنگ‌ها و هویت‌های اولیه را در نزد افراد و گروه‌های محروم اجتماعی برجسته می‌کند (Wimmer, 2013: 75). بر این اساس، تجربه طرد اجتماعی با شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌ها و سبک‌های زندگی ویژه همراه است. دومین مفهوم راهگشا و مرتبط با طرد اجتماعی، خرده‌فرهنگ به‌مثابه سبک زندگی است. اگرچه تعریف سبک زندگی محل مناقشه است، همه تعاریف بر ویژگی ارتباطی آن اتفاق نظر ندارند. سبک زندگی شیوه‌ای است که «از طریق آن فرد (یا گروه) موقعیت اجتماعی خود را به میانجی الگوهای رفتاری خاص نشان می‌دهد» (Van Acker, 2015: 4). سبک زندگی در اینجا، الگویی از رفتارهای مشاهده‌شده‌ی و بیانی در نظر گرفته می‌شود (Van Acker, 2015: 15). از این نظر، سبک زندگی مجرای است که به میانجی آن، اعضای یک گروه اجتماعی

راهگشا در فهم معنا و دلالت کولبری برای کولبران است. طرد اجتماعی، فرآیند پیچیده و چند بعدی است و بر فقدان یا محرومیت از منابع، حقوق، کالاها و خدمات و ناتوانی در مشارکت در روابط و فعالیت‌های عادی دلالت دارد که بیشتر افراد جامعه در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا سیاسی به آن دسترسی دارند. طرد اجتماعی بر کیفیت زندگی افراد و بر برابری و انسجام جامعه به‌مثابه کل تأثیر می‌گذارد» (Levitas et al., 2007: 9). طرد اجتماعی، از روابط نابرابر قدرت در ابعاد چهارگانه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نشئت می‌گیرد و در سطوح مختلف فردی، خانوادگی، گروهی، اجتماعی، ملی و جهانی پدیدار می‌شود. این مسئله به پیوستاری از ادغام/طرد منجر می‌شود که با دسترسی نابرابر به منابع، قابلیت‌ها و حقوق مشخص و به نابرابری در سلامت منتهی می‌شود (Popay, 2010: 295).

سیلور<sup>۱</sup> (1994)، از صاحب‌نظران اصلی حوزه طرد اجتماعی، طرد اجتماعی را در سطوح خرد، میانی و کلان از هم تفکیک کرده است. سطح کلان، بر ظرفیت ساختاری عضویت اجتماعی دلالت دارد. در این سطح، بر گروه‌ها و اشخاص مطرودی تمرکز می‌شود که دچار ناتوانایی یا فقدان دسترسی به فرصت‌های ساختاری شده‌اند. طرد در سطح خرد، سبب قطع پیوندهای اجتماعی می‌شود و گروه‌ها را به هم متصل می‌کند. در اینجا تمرکز بر روابط میان افراد و گروه‌ها، بدون در نظر گرفتن نقش ساختارهای طردکننده است. در سطح میانی، علاوه بر افراد طردشده، بر نهادهایی تمرکز می‌شود که مسبب طرد افراد و گروه‌های اجتماعی می‌شوند. بر این اساس، طرد اجتماعی فرآیند چند بعدی و رابطه‌ای برای انکار فرصت‌های مشارکت اجتماعی، گسست پیوندهای اجتماعی و اختلال در همبستگی اجتماعی است. ممکن است ابعاد طرد (نژادی، قومی، زبانی، مذهبی و دیگر هویت‌های فرهنگی و همچنین سن، جنسیت، ناتوانی، فقر، بیکاری، شرایط اجتماعی-اقتصادی و محل زندگی) همپوشانی داشته باشند و متقاطع و انباشته شوند. طرد اجتماعی پیامدهای منفی برای افراد طردشده و جامعه دارد. به‌عنوان یک رابطه

<sup>1</sup> Silver

ممکن است گروه‌هایی که تجربه طرد اجتماعی، تبعیض و محرومیت اجتماعی را داشته‌اند، خرده‌فرهنگ ویژه‌ای را برساخت کنند. بی‌دلیل نیست که بیشتر «مطالعات خرده‌فرهنگ‌ها بر گروه‌های حاشیه‌ای، استثنایی، محروم یا منحرف در جامعه؛ برای مثال اقلیت‌های قومی، متمرکز شده است» (Veal, 1993: 235). «خرده‌فرهنگ‌ها باید حول برخی فعالیت‌ها، ارزش‌ها، استفاده‌های خاص از مصنوعات مادی، فضاهای سرزمینی و غیره متمرکز شوند که به‌طور قابل توجهی آنها را از فرهنگ گسترده‌تر متمایز می‌کند» (Hall and Jefferson, 2006: 7). اعضای گروه به میانجی این خرده‌فرهنگ که در شیوه زیستشان تجلی می‌یابد، ضمن نشان دادن منزلت و موقعیت خود، تعلق خود به آن گروه اجتماعی را تأیید و تمایز هویتی را ابراز می‌دارند. با توجه به اینکه کولبران با تجربه تبعیض، محرومیت، طرد اجتماعی و به حاشیه رانی روبه‌رویند و کولبری به یک الگوی معیشتی گسترده در نواحی مرزی بدل شده است، نوشتار حاضر در تلاش است تا سازه‌های نظری مذکور را درباره میدان مطالعه‌شده به خدمت بگیرد.

سومین سازه نظری پژوهش حاضر که ارتباط مفهومی با طرد اجتماعی در سطح کلان و شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌ها به‌مثابه امری جمعی و واکنشی (نسبت به فرهنگ مسلط) دارد، هویت مقاومت است. هویت و سبک زندگی در رابطه‌ای دیالکتیکی با هم قرار دارند. سبک زندگی هم هویت جمعی را شکل می‌دهد و هم به‌وسیله آن شکل می‌گیرد. آنچه از نظر علوم انسانی مسلم است، رابطه میان سبک‌های زندگی، خرده‌فرهنگ‌ها، هویت، دیگری و قدرت است. خرده‌فرهنگ‌ها در بر گیرنده ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای رفتاری‌اند که گاهی فرهنگ رسمی، نهادها و کارگزاران نهادی و کلان، روایت آن را به چالش می‌کشند. ممکن است این ارزش‌ها و هنجارها بر مبنای نشانگرهای هویتی زبان، مذهب و قومیتی شکل بگیرند و از این طرق تغذیه شوند. خرده‌فرهنگ‌ها به‌مثابه سبکی از زندگی نگریسته می‌شوند. سبک‌های زندگی همچنان که گیدنز (۱۳۹۰) تأکید داشت، ظرفی از هویت‌هایند. به‌طور کلی نظریات متأخر جامعه‌شناسی، عاملیت و کنش‌گری بیشتری برای افراد و گروه‌ها قائل‌اند؛ برای مثال،

منزلت و موقعیت خود را ابراز می‌دارند و خود را از دیگر گروه‌ها متمایز و هویت‌یابی می‌کنند.

آنچه برای پژوهش حاضر حائز اهمیت است، اشتراک مفهومی و مصداقی دو مفهوم سبک زندگی و خرده‌فرهنگ است که کارکرد نسبتاً مشابه این دو مفهوم را در زیست اجتماعی افراد و گروه‌ها نشان می‌دهد. «چون فرهنگ و خرده‌فرهنگ شامل ارزش‌ها و شیوه زندگی مشترک است، با برخی از تعاریف سبک زندگی اشتراک زیادی دارد و می‌توان آن را به‌مثابه نوعی سبک زندگی در نظر گرفت» (Ansbacher, 1967: 196). در اینجا تعریف هنفلر<sup>۱</sup> (2014) از خرده‌فرهنگ راهگشاست: «شبکه‌های اجتماعی نسبتاً پراکنده که دارای هویت‌های مشترک، معانی متمایز پیرامون ایده‌ها، شیوه‌ها، اشیای خاص و حس به حاشیه رانده شدن یا مقاومت در برابر جامعه «متعارف» هستند». مفهوم سبک زندگی، بیشتر امری فردی و بازانديشانه و مفهوم خرده‌فرهنگ، امری جمعی و واکنشی (نسبت به فرهنگ مسلط) پنداشته می‌شود. پژوهش حاضر، خرده‌فرهنگ را با آگاهی به این نکته‌گذاری به خدمت می‌گیرد که در جامعه‌شناسی و از مفهوم خرده‌فرهنگ به سبک زندگی وجود دارد؛ گذاری که به‌ویژه در دوران پساجنگ از سوی صاحب‌نظرانی همچون هنفلر (2014) تئوریزه شده است. تلاش نظری هبديج (1979) در کتاب خرده‌فرهنگ: معنای سبک و به‌کارگیری اصطلاح «سبک خرده‌فرهنگی»<sup>۲</sup> در چنین فضایی فهم‌پذیر است. البته در میان اندیشمندان کلاسیک نیز، ماکس وبر «از سبک زندگی به‌طور جمعی استفاده کرد، به‌طوری که معنای آن کاملاً شبیه خرده‌فرهنگ بود» (Ansbacher, 1967: 196). سبک زندگی نزد وبر<sup>۳</sup>، با «گروه‌های منزلت»<sup>۴</sup> گره خورده است. از نظر وبر، «گروه منزلتی، به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که دارای منزلت یکسانی هستند و این منزلت را بیان می‌کنند» (Van Acker, 2015: 4).

«خرده‌فرهنگ‌ها به شکلی جادویی، تناقضات حل‌ناشده فرهنگ مسلط را بیان و حل می‌کنند» (استوری، ۱۳۹۸: ۲۸۱).

<sup>1</sup> Haenfler

<sup>2</sup> Subcultural style

<sup>3</sup> Veber

<sup>4</sup> Status group

مقاومت<sup>۵</sup> را عاملانی برساخته می‌کنند که در شرایطی ساختاری قرار گرفته‌اند و در گفتمان مسلط، فاقد جایگاه ارزشمندند. به باور کاستلز (۱۳۸۵)، هریک از فرایندهای هویت‌سازی، پیامدها و نتایج اجتماعی و سیاسی متفاوتی را در پی دارند؛ برای نمونه، هویت مقاومت به شکل‌گیری اجتماعات و اشکالی از مقاومت اجتماعی در برابر سلطه منتج می‌شود که به شکل مسلط هویت‌سازی در جامعه معاصر تبدیل شده است. یکی از این اشکال، ناسیونالیسم قومی است که عمدتاً از بطن تبعیض و بیگانگی سیاسی نشئت می‌گیرد. هویت مقاومت را گروه‌هایی برمی‌سازند که حاشیه‌نشینی و طرد اجتماعی را تجربه می‌کنند. «طرد اجتماعی حالتی را توصیف می‌کند که در آن افراد قادر به شرکت در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی متعارف و مورد انتظار نیستند» (Labonte et al., 2011: 9). «طرد اجتماعی بیشتر از ویژگی‌های گروه‌هاست تا افراد. این گروه‌ها ممکن است با فرهنگ، مذهب، رنگ، جنسیت، ملیت یا وضعیت مهاجرت یا کاستشان از سایرین در جامعه متمایز شوند» (Stewart et al., 2006: 4). درباره هویت مقاومت، گروه‌هایی که احساس می‌کنند از نظر فرهنگی، سیاسی یا اجتماعی به حاشیه‌های جامعه رانده شده‌اند، با هویت‌یابی واکنش نشان می‌دهند که به آنها اجازه می‌دهد در برابر همسان‌سازی سیستمی مقاومت کنند که آنها را تابع آن می‌کند. «برخی از گروه‌های اجتماعی، دقیقاً به این دلیل که نمی‌توانند به‌عنوان شهروند مقاومت کنند یا در اقلیت هستند و نمی‌توانند از حقوق سیاسی خود استفاده کنند، این مسیر را در پیش می‌گیرند» (کاستلز، ۱۳۸۵: ۴۵-۵۰). هویت مقاومت، شکلی از هویت جمعی است. اگرچه توافقی بر سر تعریف هویت جمعی وجود ندارد، بحث‌ها درباره این مفهوم همواره نشان می‌دهد که هویت جمعی، «تعریفی تعاملی و مشترک» و تداعی‌کننده احساس «ما» در برابر «دیگری» است؛ اما سپس فرایندی را برجسته می‌کند که از طریق آن کنشگران اجتماعی، خود را به‌عنوان یک جمع می‌شناسند» (Snow, 2001: 2). بر این مبنا افرادی که تجربه مشترکی از سرکوب، انکار، طرد، تبعیض و محرومیت اجتماعی داشته‌اند،

گیدنز (۱۳۹۰) با اشاره به مفهوم «سیاست سبک زندگی»<sup>۱</sup>، سیاسی‌شدن زندگی روزمره و سبک‌های زندگی را بررسی کرده و هنفلر و همکاران<sup>۲</sup> (2012) از «جنبش‌های سبک زندگی»<sup>۳</sup> سخن گفته‌اند. فارغ از موضوعیت این سازه‌ها در میدان مطالعه‌شده، سبک‌های زندگی در دوره اخیر بیش از پیش با امر سیاسی در سطح خرد و کلان گره خورده است. هبیدیج (1979) معتقد است: «سبک خرده‌فرهنگی به‌عنوان واکنشی به تغییرات تجربه‌شده در چارچوب نهادی کار است. تصویری معتبر از انسجام اجتماعی، تنها از طریق تصاحب و بازتعریف فرهنگ‌های مقاومت (مثلاً فرهنگ‌های جوانان طبقه کارگر) برحسب آن تصویر قابل حفظ است». «واضح است که خرده‌فرهنگ‌ها خارج از مدار بازتابی تولید و بازتولید که قطعات مجزا و تکه‌تکه‌شده کلیت اجتماعی را حداقل در سطح نمادین به هم پیوند می‌دهد، نمی‌ایستند. اعضای معمولی یک فرهنگ تا حدی با تعاریف غالب در مورد اینکه چه کسی و چه هستند، مخالف هستند و تا حدودی موافق هستند و مقدار قابل توجهی زمینه ایدئولوژیک مشترک بین آنها و فرهنگ مسلط وجود دارد» (Hebdige, 1979: 86-89). هویت‌ها همواره در بستر روابط قدرت و به میانجی عناصری چون تاریخ، جغرافیا، سازوکار سیستم اقتصادی، مذهب، خاطره جمعی، نهادهای تولید و بازتولید، رؤیاهای شخصی، دستگاه قدرت و الهامات دینی برساخته می‌شوند. افراد، گروه‌ها و جوامع، این مواد خام را پردازش و بر طبق مقتضیات اجتماعی و برنامه‌های فرهنگی بازتنظیم می‌کنند که از ساخت اجتماعی و قالب زمانی- مکانی آنها نشئت می‌گیرد. کاستلز (۱۳۸۵) با بیان اینکه ساخت اجتماعی هویت، همواره در زمینه مناسبات قدرت شکل می‌گیرد، هویت را سنخ‌شناسی هویت می‌کند و تفاوت می‌گذارد: «هویت مشروعیت‌بخش»<sup>۴</sup> که گفتمان مسلط و نهادهای قدرت آن را برساخته می‌کنند تا سیطره خود را بر عاملان اجتماعی گسترش و توجیه کنند. این هویت‌ها از سوی نهادهای سلطه تأیید شده است. «هویت

<sup>1</sup> Lifestyle Politic

<sup>2</sup> Haenfler et al.

<sup>3</sup> Lifestyle Movement

<sup>4</sup> Legitimizing identity

<sup>5</sup> Resistance identity



با توجه به رویکرد تفسیری و روش‌شناسی کیفی، نمونه‌ها باید با اهداف پژوهش تناسب داشته باشد؛ بر این مبنا روش نمونه‌گیری هدفمند به کار گرفته شد. اقتصاد، مرز شبکه‌ای مخصوص به خود را دارد و کولبران در یک شبکه تعاملی با هم در ارتباط‌اند و یکدیگر را می‌شناسند. «ویژگی اصلی شبکه، ارتباط مستقیم و غیرمستقیم افراد یا واحدها با یکدیگر است. نمونه‌گیری گلوله‌برفی، شیوه‌ای برای شناسایی و نمونه‌گیری موردها در یک شبکه است» (نیومن، ۱۳۹۹: ۴۶۹). نمونه‌گیری گلوله‌برفی با حداکثر تنوع، ضمن تسهیل دسترسی به اعضای نمونه، امکان وجود تنوع لازم را در اعضای نمونه نیز فراهم کرد. تلاش بر این بود که نمونه‌های انتخابی، تنوع لازم را از نظر سنی، تحصیلات، تجربه کولبری و محل سکونت داشته باشند.

در پژوهش حاضر، تعداد افراد نمونه بر مبنای اصل اشباع تماتیک تعیین شد و جریان مصاحبه و نمونه‌گیری تا زمان حصول دانش عمیق به میدان مطالعه شده و دستیابی به اهداف پژوهش ادامه پیدا کرد. در مجموع ۱۹ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شد. کمترین زمان مصاحبه ۹۰ دقیقه و بیشترین ۱۸۰ دقیقه بود. مصاحبه‌ها ضمن یادداشت‌برداری محقق، به شکل صوتی ضبط شد و در نهایت به شکل نوشتاری درآمد. همچنین تحلیل داده‌ها به روش تماتیک و کدگذاری داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا<sup>۲</sup> انجام شد. برای اعتبار پژوهش از ابزارهای مختلفی بهره گرفته شد.

یکی از این ابزارها، «داده‌های غنی» بود. در این راستا، به جای یادداشت‌های دستچین شده، متن مصاحبه کلمه به کلمه ضبط و ثبت شد تا تصویری عمیق‌تر و آشکارتر ارائه شود. استفاده از «شواهد متناقض»، از دیگر ابزارهای اعتباریابی بود. شواهد متناقض به این کاستی اشاره دارد که «در یک مطالعه کیفی، داده‌ها می‌توانند به‌طور نامناسبی تقلیل یابند؛ بنابراین، شناسایی و تجزیه و تحلیل داده‌های متناقض و موارد منفی، بخش کلیدی منطبق آزمون اعتبار در تحقیقات کیفی است» (Coleman, 2022: 2). «محقق که به دنبال شواهد ردکننده نیست، می‌تواند تنها به جست‌وجوی اطلاعاتی متهم شود که تفسیرها را تقویت می‌کند» (Daytner, 2006: 7). در همین راستا

ممکن است به میانجی خرده‌فرهنگ، تمایز هویتی خود را از گروه فرهنگی مسلط بیان و ترجیحات هویتی و مرزبندی‌های هویتی خود را از دیگری ابراز کنند.

### روش‌شناسی پژوهش

با توجه به اینکه هدف پژوهش، مطالعه فهم کولبران از دیگری و روایت چگونگی هویت‌یابی کولبران است، روش‌شناسی کیفی و تحلیل مضمون در مقام روش و استراتژی مدیریت و تحلیل داده‌ها مناسب است. «تحلیل تماتیک، اساساً روشی برای شناسایی و تحلیل الگوها در داده‌های کیفی است» (Clarke & Braun, 2013: 1) و هر روایتی خود ساختار و الگو دارد. تلاش پژوهش کنونی، کشف مضامین و الگوهای مرتبط با هویت کولبران است. انتظار چنین است که تحت تأثیر تجربه زیسته مشترک کولبران با معانی و مضامین مشترکی در خوانش کولبران روبه‌رو شویم. «تحلیل داده‌ها به روش تماتیک، شامل شش مرحله آشنایی با داده‌ها، تولید کدهای اولیه، جست‌وجوی تم‌ها، بازنگری در تم‌ها، تعریف و نام‌گذاری تم‌ها و در نهایت، گزارش‌نویسی و تحلیل نهایی است» (Clarke & Braun, 2013: 2). البته تحلیل، فرایندی رفت و برگشتی است و مراحل مذکور لزوماً ماهیت خطی ندارند. بر مبنای این، مراحل پیشنهادی کلارک و براون<sup>۱</sup> (2013) ضمن انجام مصاحبه‌ها، یادداشت‌ها و تحلیل‌های اولیه ثبت شد. ضمن اینکه مصاحبه‌ها به‌صورت نوشتاری درآمد و پیوسته بازخوانی می‌شد.

میدان پژوهش حاضر، کولبرانی است که حداقل سه سال تجربه کولبری در شهرستان بانه و با این زیست‌جهان، آشنایی لازم داشته‌اند؛ با این استدلال که آشنایی بیشتر و تجربه مداوم، سبب می‌شود تا روایت آنها به شکل معنادارتری، روایت‌گر داستان کولبران و به‌ویژه دلالت‌های هویتی کولبری به‌مثابه سبک‌زندگی و خرده‌فرهنگ باشد. از مختصات پژوهش حاضر، دشواری دسترسی به اعضای نمونه مطالعه شده بود؛ به‌ویژه آنکه در روایت مسلط، به کولبران به‌مثابه قاچاقچی و متجاوز نگریسته می‌شود و به هنگام مراجعه پژوهشگر، بیشتر آنها تمایلی به انجام مصاحبه نداشتند.

<sup>2</sup> Maxqda

<sup>1</sup> Clarke & Braun

### مشخصات کلی مصاحبه‌شوندگان

در پژوهش حاضر با ۱۹ کولبر مصاحبه مفصل به عمل آمد که حداقل سه سال تجربه کولبری داشتند. برای رعایت اخلاق پژوهش و محرمانه‌ماندن اطلاعات شخصی مصاحبه‌شوندگان، از نام‌های مستعار استفاده شده است. از میان مصاحبه‌شوندگان، ۲ نفر از اعضای نمونه، مجرد و ۱۷ نفر دیگر متأهل بودند. حداقل سن مصاحبه‌شوندگان ۲۱ سال و حداکثر ۴۷ سال بود. این امر، تنوع سنی کولبران را نشان می‌دهد. به لحاظ سواد، ۷ نفر تحصیلات ابتدایی، ۶ نفر تحصیلات راهنمایی و دبیرستان، ۴ نفر دیپلم و ۲ نفر دیگر لیسانس داشتند. از معیارهای انتخاب نمونه، تجربه کولبری بود؛ یعنی مدت زمانی که آنها به شکل مستمر کولبری کرده بودند. کولبرانی که حداقل ۳ سال تجربه کولبری داشتند، برای مصاحبه انتخاب شدند. تجربه کولبری اعضای مصاحبه از ۳ سال تا ۱۵ سال متغیر بود.

تلاش شد تا کدگذاری و تقلیل داده‌ها و تحلیل‌ها و تفسیرهای آنها علاوه بر اینکه متأثر از ذهنیت خلاق پژوهشگر و اهداف پژوهش باشد، بر روایت‌های کولبران غالب‌نشده و بر پایه روایت‌های آنها استوار باشد. این امر مستلزم اشاره به مواردی بود که بیانگر تناقضات موجود در روایت کولبران و تفاسیر گاه متناقض آنها از رویدادها و زیست‌جهانشان باشد. برای دریافت بازخورد، به فرایند تقلیل (کدگذاری داده‌ها) و تفسیر (تحلیل داده‌ها)، بررسی اعضا و بازبینی مشارکت‌کنندگان، به‌عنوان یکی دیگر از ابزارهای اعتباریابی توجه و روایت‌های کولبران در دسترس پس از بازنویسی در اختیار آنها گذاشته شد تا درباره صحت رونویسی روایت‌ها و تحلیل داده‌ها اظهارنظر کنند. علاوه بر کولبران، تحلیل و یافته‌های پژوهش در اختیار استاد راهنما، استاد مشاور و افراد مطلع، از جمله پژوهشگرانی قرار گرفت که درباره کولبری پژوهش انجام داده بودند و با توجه به بازخوردها، نتایج و تحلیل‌ها جرح و تعدیل شد.

جدول ۱- مشخصات مصاحبه‌شوندگان

Table 1- Characteristics of the interviewees

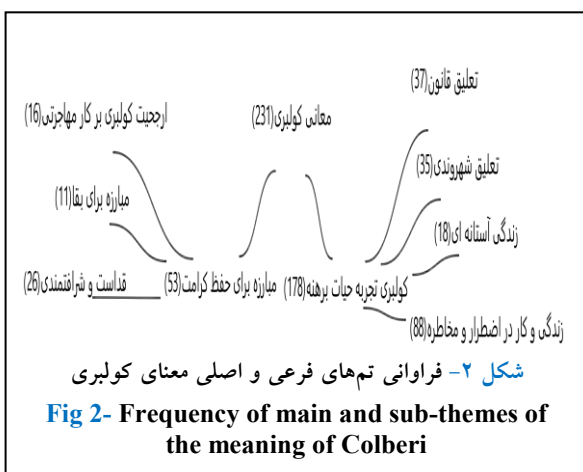
کد	نام	سن	تحصیلات	وضعیت تأهل	سابقه کولبری	کد	نام	سن	تحصیلات	وضعیت تأهل	سابقه کولبری
۱	محمد	۲۷	دیپلم	متأهل	۱۲ سال	۱۱	حسین	۳۲	ابتدایی	متأهل	۳ سال
۲	علی	۳۳	دیپلم	متأهل	۷ سال	۱۲	خالد	۲۷	ابتدایی	متأهل	۴ سال
۳	رامیار	۳۰	راهنمایی	متأهل	۳ سال	۱۳	عبدالله	۳۱	راهنمایی	متأهل	۵ سال
۴	آکو	۲۸	ابتدایی	متأهل	۳ سال	۱۴	مازیار	۳۳	ابتدایی	متأهل	۱۵ سال
۵	مهدی	۳۴	دیپلم	متأهل	۵ سال	۱۵	سعید	۳۲	دبیرستان	متأهل	۳ سال
۶	دیاکو	۳۲	راهنمایی	متأهل	۱۳ سال	۱۶	زانیار	۴۰	ابتدایی	متأهل	۴ سال
۷	پشتیوان	۲۶	لیسانس	متأهل	۴ سال	۱۷	دانا	۲۷	دبیرستان	متأهل	۴ سال
۸	سعدی	۳۰	دیپلم	متأهل	۳ سال	۱۸	کامیل	۴۷	ابتدایی	متأهل	۳ سال
۹	میران	۳۰	ابتدایی	متأهل	۴ سال	۱۹	کیوان	۲۱	راهنمایی	مجرد	۴ سال
۱۰	بهزاد	۲۴	لیسانس	مجرد	۳ سال						

حفظ کرامت (با سه مضمون فرعی «قداست و شرافتمندی»، «مبارزه برای بقا» و «ارجحیت کولبری بر کار مهاجرتی») و کولبری به مثابه حیات برهنه (با چهار مضمون فرعی «تعلیق قانون»، «تعلیق شهروندی»، «زندگی آستانه‌ای» و «کار در مخاطره و اضطراب») رهنمون کرد.

### تحلیل و تفسیر یافته‌های میدانی

#### معنای کولبری

تحلیل مضمون روایت کولبران نشان می‌دهد که کولبران مبدعانه، پدیده‌ها و رخداد‌های زیست‌جهان خود را معنا می‌بخشند. بر مبنای جدول (۲) و شکل (۱) و (۲)، روایت‌های کولبران، ما را به دو مضمون اصلی مبارزه برای



### الف- مبارزه برای حفظ کرامت

تحلیل مضمون روایت کولبران نشان می‌دهد که آنها کولبری را مجرای برای امرار معاش شرافتمندانه و مبارزه‌ای برای حفظ کرامت تفسیر می‌کنند. نبود اشتغال‌زایی و فقدان فرصت‌های شغلی مناسب، از ویژگی‌های بارز اقتصاد مرزی کردستان است. این شرایط اقتصادی موجب وابستگی مضاعف به اقتصاد مرکز و روی آوردن بخش زیادی از خانواده‌ها به کارهای مهاجرتی فصلی در دیگر شهرها، به‌ویژه شهرهای غیرگردنشین شده است: از جمله کار در کوره‌های آجرپزی، مزارع سیب‌زمینی و باغ‌ها. در اقتصاد توسعه‌نیافته مرز، کولبری تنها مجرای ممکن امرار معاش برای طیف وسیعی از ساکنان ظاهر شده است. کولبران، کار در میان «هم‌زبانان» و «هم‌کیشان» خود را بر کار در «غربت» ترجیح می‌دهند. کولبری گرچه از سویی با فشار جسمانی و روانی طاقت‌فرسا همراه است، از نظر کولبران به دلایل مختلفی بر بسیاری از مشاغل ارجحیت دارد، به‌گونه‌ای که حتی برخی از کولبران، کولبری را منشأ افتخار می‌دانند و کشته‌شدن خود را شهادت می‌نامند. به این ترتیب، کولبری با نوعی قداست نیز همراه می‌شود.

دیاکو، ۳۲ ساله، با تحصیلات راهنمایی و ۱۳ سال تجربه کار مرزی و کولبری، کولبری را منشأ افتخار می‌داند:

«به‌عنوان کولبر افتخار می‌کنم. نه حرام می‌ارم، نه دزدی می‌کنم، بیکار و علاف نیستم و نمیرم عجمستان، چون اونجا هم خیلی مشکله. اونجا غریب هستی. پنجاه تومن

کردستان خودت، هزارتومن جاهای دیگر ارزش داره. از طرفی ناموست رو ببری اونجا، کار قشنگی نیست».

نمونه دیگری از این نوع معنابخشی به کولبری در روایت پشتیوان، کولبری ۲۶ ساله، دارای لیسانس و ۴ سال تجربه کولبری، یافت می‌شود:

«برای من واقعاً جای افتخاره. همین‌که یه کار و کاسبی شرافتمندانه هستش. مخبری نمی‌کنم، برای کسی مزاحمت درست نمی‌کنم و زحمت خودمه. جای دیگری برای کار نمیرم؛ چون احساس زیردست‌بودن می‌کنم. کولبری حداقل عزت و شرافت رو حفظ می‌کنه».

روایت کولبران نشان می‌دهد که کولبر نه تنها منشأ افتخار و شغلی شرافتمندانه است، در این زیست‌جهان پرمخاطره که پیوسته زیر سایه مرگ و خطر کشته‌شدن قرار دارد، شکلی از قداست نیز به خود می‌گیرد.

مازیار، با تحصیلات ابتدایی، ۳۳ سال سن و تجربه ۱۵ سال کار مرزی و کولبری، معتقد است که کولبری شکلی از «جهاد برای نان» است و چون کولبر دچار کاری غیراخلاقی، غیرقانونی و غیرشرعی نمی‌شود، پس مرگ او نوعی شهادت است:

«استثمار می‌شیم. خیلی هم، خیلی اذیت میشی، حتی هماهنگ هم میشه، اما باز نمیدارن. مطمئناً آگه کشته بشه شهیده؛ چون برای دزدی و بی‌اخلاقی نمیره. میره یه لقمه نون حلال دربیاره. از نظر دولت، ما قاچاقچی هستیم؛ اما از نظر خودم نه، چون زبانی به مملکت نمی‌زنم. من خودم رو کاسبکاری می‌دونم که نانی برای خانوادش میاره خونه».

محمد، کولبری با ۲۷ سال سن، ۱۲ سال تجربه و مدرک

وضعیت به نواحی بسیار دورتر از نقطه صفر مرزی اشاره می‌کند؛ انگار «شرایط جنگی» در نواحی مرزی، برقرار است:

«قانونی نیست. همش بی‌قانونیه. اگه قانونی باشه، مجبور نیستیم این همه راه رو قاچاقی برم. خودمون هم قاچاق شدیم، حتی داخل شهر هم این طوره؛ مثل تریاک شدیم. از هر جا بری دستگیرت می‌کنن. داخل مرز هم باشی بهت رحم نمی‌کنه. داخل روستا هم ما رو زخمی می‌کنن. پس چه قانونی؟ اصلاً دنبال بهانه هستن. کشتن‌ها آنقدر تکرار شده. وجدانی ندارند. همه دنیا می‌دونه که اینا که در این مرز هستند، کولبر هستند. الآن که دیگه زمان جنگ نیست».

خشونت‌هایی که کولبران متحمل می‌شوند، ناشی از این امر است که در وضعیت استثنائی حاکم بر مرز، قانونی وجود ندارد تا از آنها حمایت کند. سعدی، با ۳۰ سال سن و مدرک دیپلم و ۳ سال تجربه کولبری، کولبر را چنین توصیف می‌کند:

«موجودی است که برای بقا و زنده‌ماندن آن‌چنان فشاری رو تحمل می‌کنه که حتی شاید به قیمت جونش تمام شه. به‌عنوان یه کولبر، خستگی بدنی، روحی و روانی. شخصیت خورد میشه، ناسزا می‌گه بهت، تعقیبت می‌کنه، روی مین میفتی و کشته میشی، پیوسته با ترس و خطر همراهی و ترس از مرگ همیشه باهات هست».

عبدالله، کولبر ۳۱ ساله با ۵ سال تجربه کولبری و تحصیلات راهنمایی، از بی‌ارزشی و جایگاه سافل کولبر و تقلیل انسان به حیوان سخن می‌گوید:

«انسان کم‌ارزشی هستی، کار چهارپا هستش که ما انجام میدیم. این چه مرزیه که هر شب یکی رو میکشن؟ تنها برای کشت و کشتار و از بین بردن کرده. عمداً ساختنش برای بدبخت کردن مردم. قانونی نیست. هر جای دیگه بود، دادگاهی بود. بازجویی هستش، ولی تنها روی مرزه که چشم بسته به تو شلیک می‌کنه. در غذایی، هزار درد و مریضی هست؛ کشتن، کم‌درد، سرما و یخ‌زدگی، اضطراب و هزار درد دیگه. پیش اومده گفتم دیگه خلاص مردم. همیشه باید جان بر کف باشی و امیدی به بازگشت نداشته باشی».

دیپلم، معتقد است که کولبری نه تنها نوعی «خه‌بات»<sup>۱</sup> (مبارزه) است، چرخ اقتصاد مرز به‌طور کلی به کمک کولبری می‌چرخد:

«... نون درآوردن خبات (مبارزه) نیست؟ پس برود دزدی کند؟ یک کولبر نره مرز، نان پانزده نفر در شهر بسته میشه. من نرم ساخت و ساز میشه؟ بابای تهرانی میاد اینجا؟ بانه یعنی مرز».

### ب- تجربه حیات برهنه

با وجود اینکه کولبری برای بیشتر کولبران منشأ افتخار بوده و با شرافتمندی و قداست گره خورده است، اما هدف پژوهش کنونی، به‌هیچ‌وجه رمانتیزه کردن و تقدس‌بخشی به آن نیست. به میانجی تحلیل روایت‌ها درمی‌یابیم که کولبران در شرایط و وضعیت ویژه‌ای به سر می‌برند که در بقیه جاها نادر است. این شرایط کولبران را با وضعیتی پر مخاطره روبه‌رو کرده است که به مرگ نیز منجر می‌شود.

روایت حسین، با ۳ سال تجربه کولبری، بیانگر این است که مرز با تعلیق قانون روبه‌روست و کارگزاران نهادی با «قاچاقچی» نامیدن کولبران، حداقل‌های حقوق انسانی را به حالت تعلیق درمی‌آورند و با تقلیل کولبران به تن‌هایی صرف، پیوسته با مخاطرات روانی و جسمانی روبه‌رویند:

«در مرز قانونی نیست. سرباز حکم یه تیمسار داره. قبلاً شلیک کمتر بود. الآن دستور داره عمداً کولبر رو بکشه، انسان‌ها رو تموم کنه. گرد رو به فنا بده. الآن اگه بازارچه‌هایی که قبلاً رسماً وجود داشت باز بود، امروزه مردم آن‌قدر کشته نمی‌شد. میری مرز باید احتمال مرگ و کشتن بدی. شاید برنگردی، یخ‌بزنی و بمیری. وقتی مرز رو رد می‌کنی، قاچاقچی هستی. کولبری از طرفی جنگ مرگ و زندگی هستش، همش در غذایی، شب و روز برات معنی نداره و همش باید کار کنی. الآن آنقدر سخت شده که هر روز یکی رو می‌کشن».

کامیل با ۳۷ سال سن و ۳ سال تجربه کولبری، ضمن اشاره به «خلأ قانونی»، به قاچاق‌نامیدن کولبری و تعمیم این

<sup>۱</sup> واژه گردی «خه‌بات» به معنای مبارزه و فعالیت برای احقاق حقوق و دستیابی به خواسته‌های جمعی است. این واژه دارای بار ارزشی مثبت است و بر «شرافت» و قداست نیز دلالت دارد. به‌کارگیری این واژه از سوی کولبران، دلالت‌های ویژه‌ای دارد.

جدول ۲- نمونه عبارات، کدهای اولیه، تم‌های فرعی و اصلی معانی کولبری

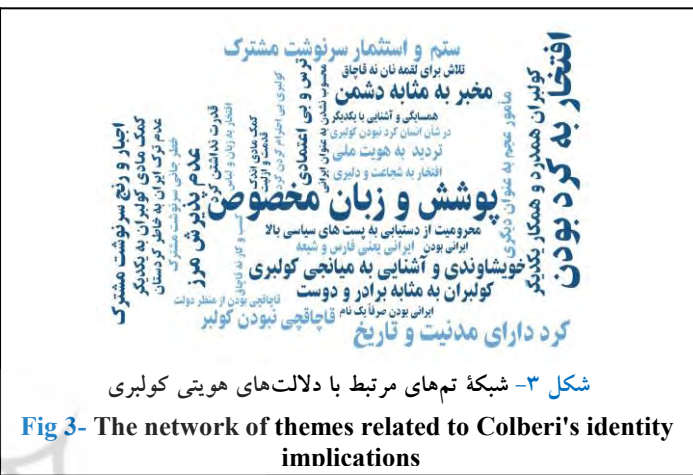
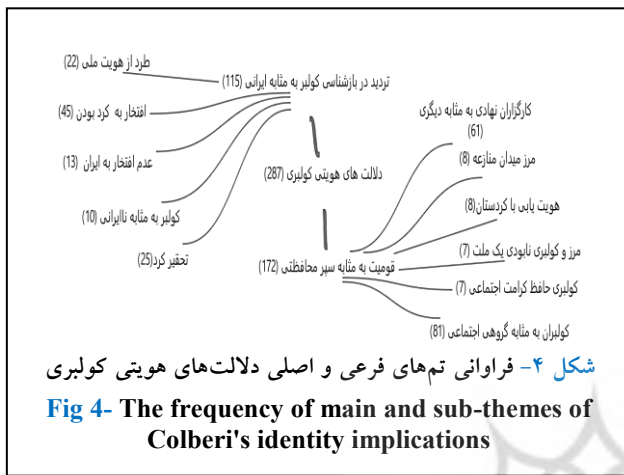
Table 2- Examples of phrases, primary codes, secondary and main themes of the meanings of Colberri

تم اصلی	تم فرعی	کدهای اولیه	نمونه عبارات
	فداسست و شرافتمندی	از خود گذشتگی برای خانواده، ترجیح کولبری بر دزدی و سرکسبه‌کردن، شرافتمندی، کولبری حافظ عزت و شرافت، شهید نان	برای من واقعاً جای افتخاره. همین‌که یه کار و کاسبی شرافتمندانه هستش. مخبری نمی‌کنم، برای کسی مزاحمت درست نمی‌کنم و زحمت خودمه. میگی چرا نمیری عجمستان؟ نمیرم چون احساس زیردست بودن می‌کنم. کولبر عزت و شرافت رو حفظ می‌کنه.
	تأمین لقمه و نمان و احتیاج نداشتن به دیگران	شرعیت کولبری، افتخار به دلیل تأمین مخارج، کولبر خادم به مردم، سودمندی و فایده برای جامعه، منشأ سربلندی، احتیاج نداشتن به دیگران، منت‌نکشی دیگران	برام جای افتخاره. حرام نمی‌خورم، محتاج دست نامرد نیستم، از این و اون گدایی نمی‌کنم. برام افتخاره. الان من کالای با کیفیت خارجی رو با قیمت بسیار کمتری وارد می‌کنم. بازار بانه به کولبری وابسته هستش. مردم از کار من سود می‌بینند. من میگم کولبری نوعی مبارزه به‌خاطر زندگی هستش. اگه امروز نجنگی، فردا نان نداری بخوری. همیشه این‌طوره.
مبارزه برای حفظ کرامت	مبارزه برای بقا	قاچاقچی به‌مثابه قهرمان، جنگ برای نان، قاچاقچی به‌عنوان مبارز، جنگ برای زندگی، منازعه برای بقا، مبارزه برای نان	برای ما قاچاقچی به‌عنوان چیز بدی دیده نمیشه، ما حتی شاید مثل یه مبارز در نظرش بگیریم و اینجا مثل یه قهرمان بهش نگاه می‌کنن. این کار قاچاقچی بودن نیست، بلکه جان‌فداییه برای زندگی و بقا. خیلی‌ها زخمی میشن یا کشته میشن. اگر هم کشته بشه، شهیده؛ چون برای زندگی می‌جنگه.
	ارجحیست کولبری بر کار مهاجرتی	کولبری حافظ استقلال و سربلندی، کار در عجمستان به‌عنوان زیردستی، کار مهاجرتی و حس بیگانگی و غربت، احترام بیشتر در کردستان، مهاجرت و تجربه حقارت، ناامنی ناموسی	به‌عنوان کولبر افتخار می‌کنم. نه حرام میارم، نه دزدی می‌کنم، بیکار و علاف نیستم و نمیرم عجمستان؛ چون اونجا هم خیلی مشکله. اونجا هم کردی تو رو نمی‌خوان و غریب هستی. پنجاه تومن وطن و کردستان خودت هزار تومن عجمستان ارزش داره. از طرفی ناموست رو ببری اونجا، کار قشنگی نیست.
	تعلیق قانون	شرایط جنگی در مرز، نگاه امنیتی، نبود تناسب بین جرم و مجازات، خلأ قانونی، حاکمیت پول به‌جای قانون، اختیارات فراقانونی مأمور، کشتن کولبر و مجازات‌نکردن مأمور، شلیک کورکورانه، تداوم تعقیب و گریز در نواحی غیرمرزی، قاچاق شدن کولبر	دغدغه دائم. نمی‌تونی به زندگیت برسی، آرامشی نیست و خیلی به زندگی امید نداری. وقتی برای کولبری میری بیرون با این نیت میری که احتمالاً بر نمی‌گردد. پیوسته با احساس مرگ عجین هستی. آزادی بیانی نیست تا حداقل این حرفا رو آزادانه بگم.
	تعلیق شهروندی	سلب حقوق از جانب حکومت، اختلال شهروندی، محرومیت از حمایت قانون، تعذیب و شکنجه، قتل عمد و حلال‌بودن خون کولبران، کشته‌شدن در مناطق مسکونی و غیر مرزی، خطر مرگ، عادی‌شدن قتل کولبران، مصونیت سرباز از برخورد قانونی، نبود قصاص برای کشت و کشتار، محرومیت از دادگاهی عادلانه، پیگیری کردن حوادث و قتل کولبران، کولبر به‌مثابه طعمه، انسان‌زدایی	هیچ انتظاری از حکومت و مسئولین ندارم. اگه راست میگن یه قانونی باشه. قانونی در نظر بگیرن و براساس اون قانون مجازات بشیم و برخورد بشه. بدون قانون و حقی تو رو میکشن، چه انتظاری داشته باشم. اصلاً قانونی نیست. نه ایست میده، نه دادگاهی میشی، نه قانونی هست. تناسبی بین جرم و مجازات نیست. کجای قانونشون اومده بدون دادگاهی یکی رو مجازات کنی. همون قانون رو بر ما پیاده کنن. اصلاً قانونی وجود نداره. یه سرباز هیچ‌کاره این توانایی رو داره بدون هیچ مسئولیت و پاسخگویی، تو رو بکشه و مجازات کنه.
تجربه حیات برهنه		خروج برای کسب معاش و بازگشت با جنازه برادر، مخاطره، جان بر کف بودن، زندگی وابسته به اگر، ترس از مرگ، بازی برد و باخت، خطر مرگ، مرگ برای بقا، امید نداشتن به بازگشت	مین‌گذاری هستش، گلوله هستش و هزار و یک خطر هست. ما جان بر کفیم. زندگیمون فدای لقمه نانی می‌کنیم. فرصتی برای آسودگی و رفاه نیست. میری مرز باید احتمال مرگ و کشتن بدی. شاید برنگردی، یخ بزنی و بمیری. وقتی مرز رو رد می‌کنی، قاچاقچی هستی. کولبری جنگ مرگ و زندگی هستش. همش در عذابیه. شب و روز برات معنی نداره. همش باید کار کنی. الان نقد سخت شده که هر روز یکی رو می‌کشن.
	اضطراب و استرس و مخاطره و اضطراب	اضطراب و استرس، اعصاب‌خوردی، فشار و استرس، نداشتن امنیت، فشار و رنج، زمان‌پریشی، خطر، بارش گلوله، تعقیب و گریز، درگیری و فرار از اسلحه، دشواری کار مرزی، مخاطرات طبیعی، سانحه‌دیدگی	نقد ترس و استرس داره. باور کن خودم هم به حال خودم دلم می‌سوزه. هرکی به فکر خودشه. آن‌قد آدم عوضی میشی. یه چیز این‌طوری است. همه‌جوره داره ازمون کشته میشه؛ با مین، گلوله، بهمن، سرما با افتادن و غیره. همیشه خطر و ترس هست. باور کن پیش آمده موهای سرم دچار ریزش شدند؛ به‌دلیل استرس و اعصاب‌خوردی و ترس.

دلالت‌های هویتی کولبری

صورت‌بندی کرده است. بر مبنای جدول (۳) و شکل‌های (۳) و (۴)، روایت‌های کولبران ما را به دو مضمون اصلی «تردید در بازشناسی کولبر به مثابه ایرانی» و «قومیت به مثابه سپهر محافظتی» رهنمون کرد.

تحلیل مضمون روایت کولبران نشان می‌دهد که تجربه زیسته کولبری برای کولبران، دلالت‌های هویتی دارد و کولبری به مثابه خرده‌فرهنگ، مرزهای خودی و غیرخودی کولبران را



الف- تردید در بازشناسی کولبر به مثابه ایرانی

مضمون «تردید در بازشناسی کولبر به مثابه ایرانی»، روایت‌گر بازتعریف مرزبندی‌های هویتی کولبران است. زیست‌جهان کولبران زمینه‌ساز زوال احساس تعلق به ایران و ایرانی شده و در روایت‌ها، نوعی احساس «تردید» نسبت به «ایران» و «ایرانی بودن» شکل گرفته است. عبدالله، کولبری ۳۱ ساله با ۵ سال تجربه کولبری، روایت می‌کند که مشکلات اقتصادی و سیاسی و دشواری زندگی، سبب تردید او نسبت به ایران و ایرانی بودن شده است:

«مثل یه ایرانی باهام برخورد نمیشه. با یه بابای تهرانی فرق و تفاوت دارم. از هر جهتی تبعیض هستش. دیگر شهرها رو نگاه کن. امکاناتش رو با شهر رو روستاهای خودمون مقایسه کنی. گرچه اسماً ایرانی هستم، تنها به نام ایرانی شناخته میشم، حتی جنگ بشه براش یه گلوله هم شلیک نمی‌کنم.»

در روایت سعدی، با مدرک دیپلم، تجربه ۳ سال کولبری و ۳۰ سال سن، ضمن اشاره به تبعیض بین مناطق، ایران و ایرانی با استان‌های فارس‌نشین این‌همانی شده است:

«این همه تبعیض و ظلم می‌بینم. اون‌س که تهران ساکنه، همون حاکمه. فلات مرکزی، یعنی اون چند استان فارس‌نشین. از کرد و بلوچ بدبخت‌تر نداریم. به زور می‌خواد بگه فارس و ایرانی هستی. اگه ایرانی هستم، کجا مثل بابای تهرانی هستم.»

کولبران با مقایسه مخاطرات و شرایط زیست مناطق مرزی با دیگر مناطق ایران و شکل‌گیری احساس محرومیت نسبت به ایرانی بودن خود، تردید و ایرانی بودن را برای خود حامل فرصت‌های زندگی نمی‌دانند. محمد، با ۱۲ سال تجربه کولبری و ۲۷ سال سن، درباره هویت ملی چنین می‌گوید:

«من یه گُرد ایرانی هستم. من در حد یک ایرانی نیستم و باهام مثل یه ایرانی برخورد نمیشه. به این هویت ملی و ایرانی افتخار نمی‌کنم؛ چون منفعتی برام نداره. ربطی به من نداره. اگه ایرانی هستم، کجام مثل استان‌های مرکزی و بابای تهرانیه؟»

میران با ۳۰ سال سن و تجربه ۴ سال کولبری بر این باور است که مشکلات اقتصادی که سبب دشواری زندگی شده است، سبب بیزاری نسبت به ایران شده است:

«مشکلات اقتصادی و این جور چیزها. زندگی در اینجا هیچ خوشی نداره. اگه خوب بود، این مردم مهاجرت نمی‌کردند. من خودم بیزارم از اینجا. نه من، همه جوان‌ها همه بیزارن. شرایط اقتصادی، مخارج، زندگی، اگه شرایط

باشه، حتماً میرم. مثل به ایرانی باهام برخورد نمیشه. با به بابای تهرانی فرق و تفاوت دارم».

بر مبنای روایت مهدی، ۳۴ ساله با مدرک دیپلم و ۵ سال تجربه کولبری، تبعیض‌ها که به دلیل تمایز مذهبی و زبانی رخ می‌دهد، سبب شده است تا او نه تنها به ایرانی بودن خود افتخار نکند، خود را ایرانی قلمداد نکند:

«از هر جهتی تبعیض هستش. شهرهای شیعه و عجم رو نگاه کن. امکاناتش رو با شهر رو روستاهای خودمون مقایسه کنی. نه افتخار نمی‌کنم، حتی خودم رو هم ایرانی نمی‌دونم. گرچه اسماً ایرانی هستم، تنها به نام ایرانی شناخته میشم، حتی جنگ بشه برایش به گوله هم شلیک نمی‌کنم. نه اصلاً».

نکته اساسی در این روایت و بسیاری دیگر از روایت‌ها، اشاره کولبران به لفظ «عجم» و «مأمور عجم» به عنوان دشمن کولبر است. مفهوم عجم در میان کردها بیشتر به «فارس-شیعه» اطلاق می‌شود. به باور آنها، آنچه کولبران تجربه می‌کنند، نه تجربه «ایرانی بودن»، بلکه تجربه طرد و محرومیت و کشتار و «ناایرانی بودن» و بازشناخته شدن به عنوان «بیگانه» و «متجاوز» است. سعید، ۳۲ ساله با ۳ سال تجربه کولبری، چنین اظهار نظر می‌کند:

«...مثل به ایرانی محسوب نمیشیم. فقط براساس شناسنامه ایرانی هستیم، وگرنه ایرانی نیستیم. فقط به اسم. البته که با من کولبر مثل به ایرانی برخورد نمیشه ... خوب بعد این همه کشت و کشتار به نظرت ایرانی محسوب بشم؟ نایرانی هستیم».

### ب- قومیت به مثابه سپر محافظتی

بر مبنای روایت کولبران، به دلیل احساس محرومیت، هویت قومی به سپر محافظتی و منبع حمایتی کولبران و چهارچوب مرجع تبدیل شده است. از روایت کولبران چنین برمی‌آید که کولبری بر بنیاد تمایز هویتی مناطق گردنشین بر ساخت شده و تداوم آن، آگاهی اجتماعی و مرزبندی‌های اجتماعی ویژه‌ای را ایجاد کرده است. در روایت دیاکو، با ۱۳ سال تجربه کولبری و ۳۲ سال سن، پس از خویشاوندان نزدیک، تنها کولبران دوست و پشتیبان هم‌اند:

«هیچ کس. مگه خدا و خانواده و خویشان خودت. الآن صاحب بار تنها در فکر منفعت خودش. کولبرا دوست هم هستند. اصلاً برادر هم هستند. الآن طرف پاش شکسته با کول آوردمش خونه. گلوله خورده همین‌طور. در ارتباطیم. هوای هم رو داریم. دوست و برادر هم هستیم. الآن رفیق خودم که کمی دیرتر رسیده، خودم کولش رو برایش آوردم».

روایتی که در ادامه از علی خواهد آمد، به زبانی ساده نشان می‌دهد که کولبران علاوه بر اینکه دیگر کولبران را عضوی از گروه خود محسوب می‌کنند، مرگ یک کولبر را کم‌شدن یکی از نزدیکان خود می‌دانند که حمایت عاطفی و روانی دیگر کولبران را به همراه دارد:

«بله حتماً همدرد هم هستند. الآن اون کولبره (شیرکوه) کشته شده بود. همه مردم می‌گریستند. همدردی می‌کردند. خیلی پیش میاد که به کولبرهای مصادوم کمک کنیم؛ مثلاً یکی که اهل سبدلو بود، یکی از دوستانمون برایش پول جمع کرد. به شبه پنج میلیون ششصد هزار تومان برایش جمع شد. هوای همدیگه رو داریم. الآن شما معلم‌ها با هم به گشت و سیران نمیرید؟ ما هم این‌طوری هستیم. با هم دوستیم. آشنای هم میشیم. الآن طرف‌ها گلستان محله هست، همگی کولبر هستند».

بیشتر روایت‌ها نشان‌دهنده احساس تعلق به جمعی واحد است. این گروه به میانجی سبک زندگی و جایگاه اجتماعی ویژه از دیگران متمایز می‌شود. کولبران در روایت‌های خود، به این نکته اشاره دارند که همگی سرنوشت مشترکی دارند. «مخاطره»، «استثمار»، «اجبار»، «خطر مرگ»، «فقر»، «بی‌کسی» و «دغدغه دائم»، از جمله مضامینی‌اند که کولبران به‌عنوان سرنوشت مشترک به آن اشاره می‌کنند. روایت حسین ۳۲ ساله، با ۳ سال تجربه کولبری، پاره‌ای از مضامین مذکور را در بر دارد:

«همشون مظلوم و ستمدیده و بدبخت هستند. راه‌حلی ندارند. همشون مجبور هستند. کولبرا تنها می‌تونند مخارج خودشون و تأمین کنند. همه دارای وجدان هستیم. درد هم رو می‌فهمیم؛ اما نمی‌تونیم کسی که توان کاسبی نداره رو تأمین کنیم. خیلی استثمار میشیم».

کولبران علاوه بر اینکه نوعی «مای» جمعی را شکل

داده‌اند، درکی ویژه از «دیگری» برساخت کرده‌اند. آنها به میانجی این مرزبندی‌ها، خودی را از غیرخودی تفکیک می‌کنند. این روایت از مهدی ۳۴ ساله با ۵ سال تجربه کولبری، نشان می‌دهد کولبران، مأموران مرزی و «مخبر» را دیگری خود تلقی می‌کنند:

«اون مأمور که رو مرزه. اونی که اسلحه داره و شلیک می‌کنه. مخبر همین‌طور چون همکار مأموره. اون از عجمه هم بدتره. اون عجمه مخبر رو نیاز داره. می‌گه مخبری کن. مقصر اصلی مخبره. رشوه بخشی از کار اصلی مرزه. مأمور به مخبر می‌گه کولبر و برام لو بده، بار و تحویل بده و خودت برو. در بین مأمورها به‌طور کلی کردها بهترند، ولی خیلی تفاوتی ندارند».

کولبران به میانجی کولبری، «کردبودن» را بازتفسیر می‌کنند. منت‌نکشی، زیست‌سربلندانه، رنج‌دیدگی، استثمار، کشتار، بی‌کسی و بی‌قدرتی، مشابهت‌هایی است که در روایت آنها بین کُرد و کولبر وجود دارد. حسین، ۳۲ ساله، با ۳ سال تجربه کولبری، در پاسخ به سؤالی مرتبط با «کُرد»، بلافاصله به مضامینی چون شجاعت، پیش‌مرگ، زحمت‌کشی و منت‌نکشیدن اشاره می‌کند. هم‌نشینی چنین مضامینی در کنار هم تصادفی نیست:

«گفتم که کُرد از گورد آمده یعنی پهلوان، یعنی کسی که دلیر و شجاعه مثل یه پیش‌مرگ، سر خم نمی‌کنه».

چرا باید بهش افتخار نکنم؟ این همه زحمت و تلاش. الآن من کولبر رو نگاه کن. کُرد از اولش همین‌طور زحمت‌کش بوده، سر خم نکرده، منت نامرد رو نکشیده. باید ترس و شجاع بشی و با مأمور عجم دربیفتی. کولبری یه بازیه خطرناکه».

تقابل کولبر کُرد با مأمور عجم، در روایت‌ها تکرار شده است. مرز از نظر کولبران، میدان نزاع دو هویت کُرد و عجم است. هویت فرودستان و فرادستان، در تقابل کولبران با نهادها و مسئولان مرزی عینیت می‌یابد:

«الآن از زمانی که انقلاب شده و مرز دست جمهوری اسلامی هستش، کسایی مسئول مرز هستند که بومی و اهل اینجا نیستند. اونا یه جور مرز رو می‌فهمند ما یه جور دیگه. اونا از کشت و کشتار یه فهمی دارند، ما یه فهم دیگه. تو هی بگو نکش، اون می‌گه به مرز من تجاوز کرده. تو میگی خاک منه، اون می‌گه خاک منه».

از نظر کولبران لزوم حفظ فرهنگ، در حقیقت تلاش برای بقا و حفظ تاریخ یک ملت است. حسین، با ۳۲ سال سن، تحصیلات ابتدایی و ۳ سال تجربه کولبری نیز، مانند دیگر کولبران بر لزوم حفظ هویت کُردی تأکید می‌کند:

«کُرد هر دینی داشته باشه کُرده. کُردی زبان مادریمنه. انسانیت مهمه. فرقی بینشون نیست، ولی باید زبان و لباسمون رو حفظ کنیم. وقتی لباس کُرد نباشه، کُردی نمی‌مونه. آداب و رسوم مهمه. باید حفظش کرد».



## جدول ۳- نمونه عبارت، کدهای اولیه، تم‌های فرعی و اصلی دلالت‌های هویتی کولبری

Table 3- Examples of phrases, primary codes, sub-themes and main themes of Colberi's identity implications

تم اصلی	تم فرعی	کدهای اولیه (مفاهیم)	نمونه عبارت
		افتخار نکردن به ایرانی بودن به دلیل تبعیض، افتخار نکردن به دلیل زندگی دشوار و برخورد غیرانسانی، پذیرش اجباری، افتخار از سر ناچاری، ایران به‌مثابه زندان	نه به ایرانی بودن خودم نه، انقد خسته هستم، به سکونت در اینجا هم افتخار نمی‌کنم. خسته و ناامید، این چه زندگیه. در دیگر کشورها نصف ما هم خسته نمیشن و زندگی خوبی هم دارند. من کامل بهش افتخار می‌کنم. لباس و زبانش رو می‌گم مثلاً. من این‌طور خلق شدم. خدا این‌طوری خلق کرده. این همه ظلم و ستمی که بهمون شده، جان رو به لب می‌رسونه.
تردید در بازشناسی کولبری به‌مثابه ایرانی	طرد از هویت ملی	ایرانی بودن تنها یک نام، شخص بی‌ارزش، ایرانی عددی صرف، بازشناسی نکردن کرد به‌مثابه ایرانی، پذیرفته نشدن کرد، ایرانی به‌مثابه فلات مرکزی فارس نشین، ایرانی بودن یعنی عجم و نه کرد، ایرانی به‌مثابه فارس و شیعه، رسمیت زبان فارسی و مذهب شیعه	بیشتر عجم هستش و کرد نیست، خدمتی به کرد نمی‌کنه، جایی برای کرد نیست. نه والا. مثل یه ایرانی محسوب نمی‌شیم. فقط براساس شناسنامه ایرانی هستیم، وگرنه ایرانی نیستیم. فقط یه اسمه.
		کولبری تجربه حقارت، لزوم ارزش قائل شدن برای کرد، عادی شدن بی‌احترامی، اهانت دیدن، از دست دادن کرامت، در شأن انسان گُرد نبودن، کولبری، بی‌ارزش کردن گُرد، کولبر انسانی کم‌ارزش، بی‌احترامی	در تمام جهان در این کردستان نباشه، کولبری نیست؛ مخصوصاً کردهایی که مرزنشین هستن. اینم کار مسئولین هستش. ما رو تبدیل به چهارپا کردند. نمی‌دارن با چهارپا بیاریم تا کرد رو بی‌ارزش کنه، تا کرد رو بی‌احترام کنه.
		کشت و کشتار و ایرانی محسوب نشدن، پذیرفتن کرد از جانب دولت، در حد ایرانی نبودن، ایرانی محسوب نشدن، ایرانی بودن در صورت کولبری نبودن	آگه نری کولبری، آره یه یک ایرانی محسوب میشی، ولی آگه بری می‌گه این پیش‌مرگ هستش، باید کشتش. تا این حد. انسان خوب هم هست، اما در مجموع این‌طوره.
		کشوری قدرتمند در صورت رهایی از ستم و استعمار، کرد و کردستانی بودن، تعلق به آب و خاک کردستان، کردستان به‌عنوان مادر	خدایش کرد هستم و کردستانی. به‌زور درس می‌ده بهم. فارسی رو یادم می‌ده. نمیداره کردی بخونم. حقوقت رو می‌ده؟ حقوق اولیه خودت رو داری؟ حتی نمی‌تونی به‌عنوان کرد سنی خلبان بشی.
		جلوگیری از پیشرفت کرد، برخورد تند و ناشفاف، ضدیت کولبران با نهادهای حکومتی، دشمن‌انگاری کرد، ضدیت با کرد و سنی، دشمنی نماینده مجلس با کرد و کولبر، مأمور و مخبر به‌عنوان دشمن، ستم مضاعف، مسئولان به‌عنوان دشمن کولبر و کرد، مانع‌تراشی سر راه کسب روزی، دولت منشأ مشکلات، کینه مأمور نسبت به گُرد، ترس از گُرد	از کادری بگیر تا سرباز، تا رئیس کالای قاچاق تا مرزبانی و همین‌طور سلسله‌مراتبی برو بالا دشمنه، حتی دادگاه هم طرف پرسنل و مأمور خودشو می‌گیره. از خودی‌ها هم می‌تونم بگم مخبر هستش. اونه که گزارش رو به مأمور می‌رسونه، مشغول مخابره هستش. اون از نظامی و دولتی هم دشمن‌تره. خودی هستش. از خودته. بیشتر از صاحب‌بارهاست. در کولبرها هم هست، ولی کمتر.
		مرزنشینان به‌مثابه مالک مرز، فهم متناقض کولبران و مسئولان از مرز، کولبران مالک مرز، بی‌معنایی مرز، کولبر به‌مثابه ضدانقلاب، تنفر نسبت به مسئولان مرز، دو قطب متضاد	مرزبانی که میاد از کرد کینه داره. شاید در جنگ خوشاوندش اینجا کشته شدن. ما رو با قاچاقچی اشتباه گرفتن. اون نیرویی که به هنگ مرزی فرستاده میشه، بالای ۹۰ درصدشون رحم و عاطفه‌ای ندارند. کولبر رو دشمن و ضدانقلابی می‌دونن. ما هم به‌خاطر همین رفتار ازشون متنفریم.
قومیت به‌مثابه سپر محافظتی	کولبری حافظ کرامت اجتماعی	ارجحیت کولبری بر منت‌کشی عجم، افتخار به کولبری به‌دلیل منت‌نکشی دیگران، افتخار به کولبری به‌دلیل شرافتمندی، ارجحیت کولبری بر مخبری، کولبری حافظ شرافت	برای من واقعاً جای افتخاره. همین‌که یه کار و کاسبی شرافتمندانه هستش، مخبری نمی‌کنم، برای کسی مزاحمت درست نمی‌کنم، زحمت خودمه. نمیرم عجمستان چون احساس زیردست بودن می‌کنم. کولبر عزت و شرافت رو حفظ می‌کنه. کولبر متجاوز نیست.
		مرز ابزار کشتار و نابودی گُرد، کولبری ابزار نابودی گُرد، کشتن در ملاءعام، کولبری نامی تحمیلی، کشتن مردم در مرز	با این کار، مرز ازش تجاوز نمیشه. با یه کوله و یه ساعت مرز چه معنی داره. برای لقمه نانی میگن قاچاقچی. مرز وجود نداشته باشه بهتره. این چه مرزیه که هر شب یکی رو میکشن. عمداً ساختنش برای بدبخت کردن مردم.
		روابط برادرانه نه منفعت‌طلبی، دوستی و خوشاوندی، کولبران به‌مثابه برادر و دوست، همکاری و همیاری در مرز، کولبران همدرد و همکار یکدیگر، همسایگی و آشنایی با یکدیگر، خوشاوندی و آشنایی به میانجی کولبری، ستم، استعمار، فقر، درد، خطر جانی، رنج، آینده مبهم به‌عنوان سرنوشت مشترک، کمک مادی کولبران به یکدیگر، شبکه کولبری، دارای رفتارهای ویژه شغلی، رفتار و لباس ویژه کولبری	بله حتماً همدرد هم هستن. الآن اون کولبره (شیرکو) کشته شده بود. همه مردم می‌گریستند. همدردی می‌کردند. خیلی پیش میاد که به کولبرهای مصدوم کمک کنیم؛ مثلاً یکی که اهل سیدلو بود، یکی از دوستانمون براش پول جمع کرد. یه شبه پنج میلیون شش‌صد تومان رو براش جمع کرد. هوای همدیگه رو داریم. الآن شما معلم‌ها با هم به گشت و سیران نمیرید؟ ما هم این‌طوری هستیم. با هم دوستیم. آشنای هم میشیم. الآن طرف‌ها گلستان محله هست، همگی کولبر هستن.

## بحث و نتیجه

پژوهش حاضر به دنبال تحلیل مضمون روایت‌های کولبران از تجربه کولبری و دلالت‌های هویتی زیستن در زیست‌جهان مرز بود. هویت خود امری انضمامی و متأثر از زمینه است. یافته‌ها به ما امکان داد تا به کمک تحلیل مضامین، به معانی ذهنی کولبران دسترسی پیدا کنیم؛ برای مثال اینکه کولبری با وجود اینکه پدیده‌ای اجباری است، اما از سوی بیشتر کولبران امری افتخارآمیز، منشأ سربلندی و حافظ شرافت و کرامت انسانی تفسیر می‌شود. کولبران تجربه کار مهاجرتی در غربت را داشته‌اند و آن را همراه با اهانت و بی‌حرمتی به «کرد»، «منت‌کشی» و «نامنی ناموسی» تعبیر می‌کردند، همچنین کولبری راه‌هایی از این تجربه کرامت‌زدا (کار مهاجرتی) تفسیر می‌شود. همچنان‌که در مضامین کولبران مشهود است، آنها سختی‌ها و مشقت‌های کولبری را تحمل می‌کنند تا «نانی سربلندانه» و «بی‌منت» به دست بیاورند. کولبری راه‌گریزی است از زیردستی دیگری و رهایی از «منت» و فرادستی او. این معنابخشی زمانی بیشتر جلب توجه می‌کند که کولبری را در قاب بزرگ‌تری قرار دهیم که در آن شمار بسیاری از مردمان شهرهای مرزی، به کار فصلی در دیگر شهرها تن می‌دهند، اما کولبران، کولبری را ترجیح می‌دهند.

روی آوردن به کولبری با وجود برخوردهای شدید نهادهای مرزی، تجربه بی‌احترامی، تعذیب جسمانی و روانی و حتی آزارها و هزینه‌های پس از دستگیری، تنها با پاسخی از این دست تبیین و تفسیر نمی‌شود که کولبری اجباری ساختاری است. باید دید کولبران چگونه این کنش را فهم و تفسیر می‌کنند. در حقیقت روی آوردن به کولبری با وجود این شیوه برخورد، از نظر کولبرانی که آن را بر مخبری و تجسس از هم‌زبانان و هم‌پیشگان خود رجحان می‌دهند، ارتزاقی شرافتمندانه محسوب می‌شود. آنها روبه‌رو شدن با کارگزاران نهادی را برای دستیابی به لقمه‌ای نان برای خود و خانواده‌شان، بسان «خه‌بات» (مبارزه) و یک «قهرمان» در راه آرمان‌هایش می‌فهمند. روایت کولبران نشان‌دهنده رد روایت تلقی کولبران به عنوان قاچاقی و متجاوز است. کولبران راوی روایت خودند و داستان خود را از رویدادها بازگو می‌کنند.

این نوع معنابخشی، ما را وادار می‌کند تا کولبری را فراتر از راهی برای امرار معاش بنگریم. از نظر مصاحبه‌شوندگان، کولبری مبارزه‌ای برای بقا و زیست شرافتمندانه برای حفظ کرامت تعبیر می‌شود.

شایان ذکر است که مضمون «کولبری به‌مثابه مبارزه برای بقا و حفظ کرامت» از مضامین جدیدی است که در یافته‌های پیشین به آن اشاره نشده است. این بخش از نتایج تازه‌گی دارد و ضمن غنی‌تر کردن یافته‌های پژوهش‌های پیشین، از جمله زارع شاه‌آبادی و محمدی (۱۴۰۰)، عنبری و عبده‌زاده (۱۳۹۹) درباره فهم کولبران از کولبری، نگرش بیشتر اقتصادی پژوهش‌های اصلائی اسلمرز و همکاران (۱۳۹۴) و پژوهش شافعی و همکاران (۱۴۰۰) را به چالش می‌کشد و کولبری را پدیده‌ای با دلالت‌های توأمان اقتصادی و غیراقتصادی می‌نگرد.

کولبری به‌مثابه «حیات برهنه»، مضمون دیگری است که کولبران برای این پدیده قائل‌اند. این امر یک نکته اساسی را یادآور می‌شود و می‌گوید کولبری تنها یک شغل یا «قاچاق» و شکلی از اشتغال کاذب نیست، محصول زیست سیاسی مرز است. چنانچه روایت کولبران نشان می‌دهد، شرایط زیست در نواحی مرزی، بازنمای مفهوم وضعیت استثنایی آگامبن (۱۳۹۷) است. «در وضعیت استثنا، اصلی‌ترین قانونی که حاکم است، تعلیق خود قانون است. شرایطی که در آن آزادی‌های فردی و حقوق شهروندی تعلیق می‌شوند. این شرایط موجودی را خلق می‌کند که به لحاظ قانونی بی‌نام و فاقد طبقه‌بندی است» (آگامبن، ۱۳۹۷: ۲۰-۲۳). کولبری نمود مسخ و تنزل جایگاه اجتماعی انسان مرزنشین است. وضعیت استثنایی حاکم بر مرز که با تعلیق قانون همراه است، حقوق انسانی کولبر را از او سلب و زیستی پرمخاطره و اضطراب را بر زندگی او حاکم می‌کند. بی‌دلیل نیست که مرگ کولبران و حوادث مختلفی که برای آنها رخ می‌دهد، نه تنها برای کارگزاران نهادی، نحوه روایت آن در شبکه‌های اجتماعی نیز به امری متعارف بدل شده است؛ زیرا «مرگ» و «زندگی» به طریق سیاسی معنا پیدا می‌کند. چنانچه روایت کولبران نشان می‌دهد، کولبر «قاچاقچی» توصیف می‌شود و این امر در عمل پیگیری قانونی حقوق سلب‌شده، او را بلاموضوع می‌کند.

قدرت و محصول به حاشیه رانده شدن مضاعف آنهاست. تجربه زیسته کولبری و درد و رنج‌های آن از یکسو و اذعان به این‌همانی کولبری با گُرد از سوی دیگر، بازنمای صبغه هویتی کولبری است و آن را از یک امر اقتصادی و معیشتی صرف، به کرداری سیاسی- فرهنگی و هویتی بدل کرده است. از این چشم‌انداز، کولبری تنها پیشه‌ای عادی برای تأمین معاش نیست، مجرای هویت‌یابی و بازتعریف مرزهای خودی و غیرخودی نیز هست. از طرفی متأثر از «گُردبودن» است، به دلیل تمایز فرهنگی شکل می‌گیرد و از سوی دیگر هویت کولبران را به اشکال مختلف، شکل می‌دهد و هویت ویژه‌ای را فرا می‌خواند. نتایج سلیمانی و محمدپور (2020) مؤید این بخش از یافته‌هاست. کولبری یک وضعیت اقتصادی است، اما در درجه اول نشانه‌ای از یک زمینه وسیع‌تر سیاسی، حقوق و فرهنگی است. آنچه در اینجا حائز اهمیت است، این است که پدیدارشدن کولبری، محصول طرد اجتماعی ساختاری است.

کولبران نسبت به ایرانی بودن خود مردد و بر این باور بودند که ایرانی بودن برای آنها با گشایش اقتصادی، سیاسی و فرهنگی همراه نبوده است. کولبران ضمن هم‌نواپی با افتخارآفرینی در میدان‌های ورزشی و علمی در مقام ایرانی، نسبت به جنبه‌های سیاسی هویت ملی احساس دوری می‌کنند. تمام کولبران بر این باور بودند که با کولبر به‌مثابه ایرانی برخورد نمی‌شود و در چنین بستری، هویت گُردی برای آنها، به سپر محافظتی و چارچوب مرجع بدل شده است. در روایت کولبران، نوعی احساس دوگانگی با اکثریت دیده می‌شود و سیاست‌گذاری‌های دولت به‌مثابه عامل به حاشیه افتادن مناطق مرزی، توسعه‌نیافتگی مناطق گُردنشین و تبعیض و محرومیت تفسیر می‌شود و با تشدید ارتباطات درون‌گروهی و درون‌قومی، هویت‌یابی به میانجی قومیت موضوعیت بیشتری پیدا کرده و در برابر زمینه‌های ساختاری طرد اجتماعی، هویت قومی به سپر محافظتی تبدیل شده است.

با توجه وضعیت استثنایی و زیست مخاطره‌آمیز که با تجربه حیات برهنه همراه است، تردیدی که کولبران نسبت به بازشناسی خود به‌مثابه ایرانی دارند، فهم‌پذیر است. بیشتر کولبران، کولبری و شرایط مذکور را متأثر از اختلال در بازشناخته‌شدن کولبر به‌مثابه ایرانی می‌دانند. در روایت

کولبران در این زیست‌جهان، پیوسته با تجربه ناامنی، ترس از مرگ، استرس، اضطراب، تنگنا، زندگی آستانه‌ای و مخاطره روبه‌رویند. این شرایط گاهی به نواحی دور از مرز نیز تعمیم می‌یابد. سلب هر نوع حقوق از کولبری، حتی حقوق طبیعی و اولیه بر حیات برهنه کولبران دلالت دارد. یافته‌های زارع شاه‌آبادی و محمدی (۱۴۰۰) با اشاره به مضامینی مانند مسخ اجتماعی، مخاطره و خطرپذیری، بقای این بخش از یافته‌ها را تأیید می‌کند. علاوه بر این، یافته‌های پژوهش هم‌راستا با یافته‌های سلیمانی و محمدپور<sup>۱</sup> (2020) و عنبری و عبده‌زاده (۱۳۹۹) است که به مضامین زندگی آستانه‌ای، مخاطره، محرومیت قانونی، وضعیت اضطراری و استثنایی اشاره داشته‌اند. همچنین پژوهش غیاثوند و همکاران (۱۴۰۲) در ارتباط با تجربه زیسته کولبران به بی‌قدرتی، بروکراتیزه‌شدن، شهروندی معلق، تبعیض نهادی، کرامت‌زدایی، حاشیه‌ای‌شدن فراینده، تماشایی‌شدن، زیست‌جهان ناامن و زیست دردمند اشاره دارد که بخشی از یافته‌های پژوهش حاضر را تأیید می‌کند.

پژوهش حاضر با این ادعا آغاز شد که کولبری به‌مثابه خرده‌فرهنگ، اساساً هویت‌بخش است؛ به بیان دیگر، کولبری خرده‌فرهنگ یا فرهنگ شغلی ویژه خود را شکل داده و به سبکی از زیستن بدل شده است. این امر به‌ویژه درباره کولبرانی صادق است که زمان بیشتری را کولبری کرده‌اند. تجربه مداوم کولبری در شبکه‌ای از روابط مرزی و تعاملات مستمر در این شبکه، سبب شده است تا کولبران نمادهای مخصوص، هنجارها، قواعد عمل، رفتارهای شغلی ویژه، خرده‌فرهنگ و در یک کلام، شیوه‌ای از زندگی تمایزبخش را تجربه کنند. تحلیل مضامین نشان داد کولبران خود را یک گروه اجتماعی، متمایز از دیگران می‌پندارند. آنها منزلت ویژه‌ای در جامعه دارند که از بقیه گروه‌ها متمایز است. این گروه منزلتی، خرده‌فرهنگ ویژه‌ای را برساخته است که هنجارها، رفتارها، شیوه و نمادهای مختص به خود را دارد.

کولبری شکلی از طرد اجتماعی در سطح کلان است. از نظر مصاحبه‌شوندگان، کولبری نمود محرومیت گُردها از

<sup>۱</sup> Soleimani & Mohammadpour

تقسیم ملی کار و ضرورت در پیش گرفتن سیاست تبعیض مثبت در مناطق مرزی که عموماً با بحران توسعه روبه‌رویند.

### منابع فارسی

استوری، ج. (۱۳۹۸). *مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه*. ترجمه حسین پاینده، تهران: انتشارات آگه.

اصلائی اسلمرز، ع.؛ دیندارلو، س. و اصلائی اسلمرز، ا. (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش

مرزنشینان بانه‌ای به قاچاق کالا (زمینه‌ها و راهکارها). *انتظام اجتماعی*، ۷(۲)، ۳۳-۵۶.

احمدرش، ر. (۱۳۹۷). دیالکتیک مرز و توسعه: تحلیل جامعه‌شناختی دشواری‌های توسعه پایدار در مناطق مرزی غرب کشور. *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، ۱۰(۲)، ۲۶۶-۲۴۵.

امیرپناهی، م. (۱۳۹۷). ساخت اجتماعی بازار؛ تحلیل جامعه‌شناختی پیدایش بازار با تأکید بر بازار بانه در استان کردستان. *مطالعات جامعه‌شناختی*، ۲۵(۱)، ۸۷-۱۱۵.

افضلی، ر. و رنجبری چیچوران، ک. (۱۳۹۹). پیامدهای سیاسی-اجتماعی پدیده کولبری در نواحی مرزی غرب

کشور. *دانش انتظامی خراسان جنوبی*، ۹(۳)، ۳۳-۹.

آگامبن، ج. (۱۳۹۷). *وضعیت استثنایی*، ترجمه پویا ایمانی، تهران: نشر نی.

پوزشی، م.؛ غفوری، پ. و رسول‌نیا، ع. (۱۳۹۷). *تکوین مفهوم کولبری*. پنجمین همایش ملی پژوهش‌های

*مدیریت و علوم انسانی در ایران*، تهران: دانشگاه تهران.

خضری، ا. (۱۳۹۶). *پیدا و پنهان کولبری*، مجموعه مصاحبه‌ها، مقالات و یادداشت‌هایی پیرامون ابعاد حقوقی، اجتماعی

و اقتصادی کولبری، بدوکی، چتربازی و ته‌لنجی. تهران: نشر چراغ اندیشه.

خضرپور، م.؛ صمدیان، م. و بیگدلو، ر. (۱۳۹۷). تحلیل و شناسایی عوامل مؤثر بر برقراری امنیت پایدار در راستای

حل معضل کولبری (مورد مطالعه: شهرستان‌های پیرانشهر، سردشت، بانه و میوان). *پژوهشنامه جغرافیای*

*انتظامی*، ۶(۲۴)، ۶۶-۳۷.

کارگزاران مرزی، کولبر قاچاقچی و قانون‌شکن است. این عناوین به‌نوعی توجیه‌گر برخوردهای بعدی با کولبران است که نشان می‌دهد کولبر از حقوق خود به‌مثابه یک ایرانی محروم شده است. پیامد این امر، نوعی گسست از بازشناسی خود به‌عنوان ایرانی و هویت‌یابی و ارجاع به هویت قومی است.

در ارتباط با پژوهش کنونی، آنچه مسلم است، وجود گسست هویتی در کولبران است که بی‌ارتباط با تجربه زیسته کولبری نیست. این گسست به «طرد اجتماعی در سطح ساختاری مرتبط است (Silver, 2019).

بخش دیگری از یافته‌ها حاکی از آن است که کولبران متأثر از تجربه زیسته، نوعی تقابل بین «کولبر» و «مأمور غیرگرد» را برجسته می‌کنند. در بیشتر روایت‌ها، تقابل بین کولبر گرد با مأمور عجم، به کلیت نهادهای مرزی و حاکمیتی تعمیم می‌یابد. بر این اساس، زمانی که سخن از دیگر کولبران باشد، آنها آشکارا به مأموران مرزی، نهادها و کارگزاران مرزی حکومت اشاره می‌کنند. شاید «تجاوز» کولبران از «مرز» و نادیده گرفتن آن با وجود برخوردهای تند، چشم‌پوشی حکومت و مقابله با روایت رسمی از مرز خوانش شود.

با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهادهایی در دو جهت متفاوت، اما مرتبط با هم ارائه می‌شود که یکی در ارتباط با مرز و کولبری و دیگری درباره تعریف هویت ایرانی و مؤلفه‌های هویت ملی است. در همین راستا پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

بازنگری در مطالعات مربوط به مرز و کولبری. مطالعه مرز علاوه بر اینکه امری فضایی است، سیاسی-هویتی نیز محسوب می‌شود و از نظر مردمان مرزی است؛

بازنگری در تعریف هویت ملی، ارائه تعریفی همه‌شمول و برابری طلبانه‌تر از هویت ملی؛

تغییر جلدی در نحوه برخورد کارگزاران نهادهای مرزی با کولبران؛

بازنگری در سیاست‌های خرد و کلان مرتبط با مرز در راستای شکل‌گیری اقتصادی نسبتاً مستقل و خودبنيان؛

ضرورت ادغام اقتصادی و اجتماعی مناطق مرزی در

ولیعقلی‌زاده، ع. و حسین‌نژاد، ا. (۱۳۹۵). ارزیابی نقش بازارچه‌های مشترک مرزی در توسعه و رفاه مناطق مرزنشین (مطالعه موردی: بازارچه مرزی سیران‌بند بانه). پژوهش‌نامه مطالعات مرزی، ۴(۴)، ۲۱-۱.

هدایت، ع. و باسیتی، ش. (۱۳۹۹). مرزنشینی، اقتصاد مرزی و آسیب‌های خانواده (مورد مطالعه: شهرهای مرزی بانه و مریوان). رفاه اجتماعی، ۲۰(۷۷)، ۱۸۰-۱۴۱.

## References

- Agamben, G. (2017). *State of exception*. Translated by Poya Imani. Tehran: Ney Publication. [In Persian].
- Ahmadrash, R. (2018). Dialectics between border and development sociological analysis of the problems of sustainable development in the western border regions of the country. *The Journal of Community Development*, 10(2), 183-206. [In Persian]
- Afzali, R., & Ranjbari Chichoran, K. (2020). Socio-political consequences of Kolbari phenomenon in the western border areas of the country. *The Journal of Southern Khorasan Disciplinary Knowledge*, 9(3), 9-33. [In Persian].
- Amirpanahi, M. (2018). The social construction of market: Sociological analysis of origination of market by emphasize on Baneh Market in Kordistan. *Sociological Review*, 25(1), 87-115. [In Persian].
- Anbari, M., & Abdzadeh, S. (2020). Social construction of Kolbari phenomenon In the Border Areas of Western Iran (Exploring the Critical Life World of Local Activists in Baneh County). *The Journal of Community Development (Rural and Urban Communities)*, 12(1), 153-185. [In Persian].
- Ansbacher, H.L. (1967). Life style: A historical and systematic review. *Journal of Individual Psychology*, 23 (2), 191-212.
- Aslani, A., Dindarlou, S., & Aslani Aslamarz, O. (2016). Studying the effective social factors in tendency of frontiersmen of Baneh to goods smuggling. *The Journal of Social Order*, 7(2), 33-56. [In Persian].
- Castells, M. (2016) *The rise of the network society*. Translated by Chavoshian, H., Tehran: Tarh-e- no. [In Persian].
- Clarke, V., & Braun, V. (2013). Teaching thematic analysis: Overcoming challenges and developing strategies for effective learning. *Psychologist*, 26(2), 120-123.
- Coleman, P. (2022). Validity and reliability within qualitative research for the caring sciences. *International Journal of Caring Sciences*, 14(3), 2041-2045.
- Daytner, K. (2006) *Validity in qualitative research: Application of safeguards*. Online Submission.
- Ghiasvand, A., Entezari, A., & Gaderzade, H. (2023). Smuggled goods porting and social discrimination

زارع شاه‌آبادی، ا. و محمدی، آ. (۱۴۰۰). درک و فهم پدیده کولبری در شهرستان بانه. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۲(۱)، ۱۵۴-۱۳۵.

<https://doi.org/10.22108/jas.2020.120921.1851>

- شافعی، ر.؛ احمدی، ف. و مولایی، س. (۱۴۰۰). واکاوی توسعه کسب‌وکارهای مرزی به‌عنوان رویکردی جهت کاهش پدیده کولبری در مناطق مرزی مطالعه موردی: بانه و مریوان. *پژوهش‌نامه مطالعات مرزی*، ۹(۴)، ۲۶-۱.
- عنبری، م. و عبده‌زاده، س. (۱۳۹۹). برساخت اجتماعی پدیده کولبری در مناطق مرزی غرب ایران (واکاوی زیست‌جهان انتقادی کنشگران محلی در شهرستان بانه). *توسعه محلی*، ۱۲(۱)، ۱۸۵-۱۵۳.
- غیاثوند، ا.؛ انتظاری، ع. و قادرزاده، ه. (۱۴۰۲). کولبری و طرد اجتماعی (مردم‌نگاری انتقادی بازیگران غیر نهادی و کارگزاران نهادی میدان تجارت مرزی بانه). *مطالعات تحقیقات اجتماعی ایران*، ۱۲(۱)، ۸۵-۶۵.
- قادرزاده، ا.؛ محمدپور، ا. و قادری، ا. (۱۳۹۲). مطالعه کیفی تأثیرات بازارچه‌های مرزی بر تداوم پدیده قاچاق. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۴(۳)، ۱۹۴-۱۷۵.
- <https://dori.net/dor/20.1001.1.20085745.1392.24.3.10.4>
- قادرزاده، ه. و غیاثوند، ا. (۱۴۰۱). مطالعه کیفی بسترهای تداوم کولبری در منطقه مرزی بانه. *پژوهش‌نامه مطالعات مرزی*، ۱۰(۴)، ۸۶-۶۳.
- کاستلز، م. (۱۳۸۵). *قدرت هویت، ترجمه حسن چاوشیان*. تهران: طرح نو.
- گیدنز، آ. (۱۳۹۰). *تجدد و تشخیص جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان*. تهران: نی.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). *سرشماری عمومی نفوس و مسکن*. در دسترس: <https://www.amar.org.ir/salnameh>
- محمودی، م. و مرادی، ع. (۱۴۰۰). کولبری، برآیند سیاست‌های معطوف به توسعه‌نیافتگی (مطالعه کیفی کولبران شهر پاوه). *جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر*، ۳(۳)، ۲۱-۱.
- نیومن، و. ل. (۱۳۹۹). *شیوه‌های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کیفی و کمی، ترجمه حسن دانایی‌فرد و سید حسین کاظمی*. تهران: مهربان نشر.

- 295-297.
- Pozshi, M., Ghafouri, P., & Rasulnia, A. (2017). *The development of the concept of Kolberi*. The fifth national conference of management and humanities researches in Iran, Tehran:University of Tehran. [In Persian].
- Shafei, R., Ahmadi, F., & Mowlaie, S. (2021). Analysis of the development of cross-border businesses as an approach to reduce the phenomenon of kolbari in border areas Case Study: Baneh and Marivan. *Journal of Border Studies*, 9(4),1-26. [In Persian].
- Silver, H. (2019). *Social exclusion*. in Orum. A.M. (Eds.), (2019). *The Wiley Blackwell Encyclopedia of Urban and Regional Studies*. Wiley Blackwell.
- Silver, H. (1994). Social exclusion and social solidarity: three paradigms. *International Labour Review*, 133, 531-78.
- Snow, D. (2001). *Collective identity and expressive forms*. UC Irvine: Center for the Study of Democracy.
- Soleimani, K., & Mohammadpour, A. (2020). Life and labor on the internal colonial edge: Political economy of kolberi in Rojhelat. *The British Journal of Sociology*, 71(4), 741-760.
- Stewart, F., Barrón, M.F., Brown, G.V., & Hartwell, M.B. (2006). *Social Exclusion and Conflict: Analysis and Policy Implications*. <https://www.semanticscholar.org/paper/Social-Exclusion-and-Conflict%3A-Analysis-and-Policy-Stewart-Barr%C3%B3n/b13bd3cab4efb3dda031dd87d74fef622e9aad57>
- Storey, J. (2018). *Cultural studies on popular culture*. Translated by Payandeh, H., Tehran: Age Publication. [In Persian].
- Statistical Center of Iran. (2016). *General census of population and housing*, accessible on the website of Iran Statistics Center. <https://www.amar.org.ir/salnameh-amari/agentType/ViewType/PropertyTypeID/2098/currentp>. [In Persian].
- Valigholizadeh, A., & Hosein Nejad, S. (2017). Evaluate the role of border markets in the development and welfare of frontier regions (Case Study: Sayranband border market of Baneh). *The Journal of Border Studies*, 4(4),1-21.[In Persian].
- Van Acker, V. (2015). Defining, measuring, and using the lifestyle concept in modal choice research. transportation research record. *Journal of the Transportation Research Board*, 2495, 74-82.
- Veal, J. A. (1993). The concept of lifestyle: A review. *Leisure Studies*, 12(4), 233-252.
- Wimmer, A. (2013). *Ethnic boundary making: institutions, power, networks*. Oxford University Press.
- Zareshahabadi, A., & Mohammadi, A. (2021). Examining the Phenomenon of Portage (Kolberi) in the City of Baneh. *The Journal of Applied Sociology*, 32(1), 135-154. [In Persian].
- (Critical Ethnography of Non-Institutional Actors and Institutional Brokers in the Field of Baneh Border Trade). *The Journal of Social Studies and Research in Iran*, 12(1), 65-85.[In Persian].
- Ghaderzadeh, O., Mohammadpur, A., & Ghaderi, O. (2013). a qualitative study of border marketplaces and their impacts on continuation of smuggling. *The Journal of Applied Sociology*, 24(3), 175-194. [In Persian].
- Ghaderzadeh, H., & Ghyasvand, A. (2023). A qualitative study of kolberi continuity beds in the Baneh border region. *The Journal of Border Studies*, 10(4), 63-86.[In Persian]
- Giddens, A. (2016). *Modernity and self - Identity: Self and society in the late modern age*. Translated by Moafaqian, N, Tehran: Ney.[In Persian].
- Hall, S., & Jefferson, T. (Eds.). (2006). *Resistance through rituals: Youth subcultures in post-war britain* (2nd ed.). Routledge.
- Haenfler, R. (2014). *Subcultures: The Basics*. Routledge.
- Haenfler, R., Johnson, B., & Jones, E. (2012). Lifestyle movements: Exploring the intersection of lifestyle and social movements. *Social Movement Studies*, 11(1), 1-20.
- Hebdige, D. (1979). *Subculture: The Meaning of Style* (1st ed.). Routledge.
- Hedayat, O., & Basiaty, S. (2020). Border settlement, border economy, and family problems: the case study of border cities of Baneh and Marivan. *Refahj*. 20(77), 141-180. [In Persian].
- Khezri, A. (2016). *Finding and hiding Kolbari, a collection of interviews, articles and notes about the legal, social and economic aspects of Kolbari, Badoki, parachuting and Tahlanji*. Tehran: Publishing Cheragh Andisheh. [In Persian].
- khezerpour, M., Samadiyan, M., & Bigdlu, R. (2019). Analysis and identification of factors affecting the establishment of sustainable security in solving the coldrey dilemma (Case study: Piranshahr, Sardasht, Baneh and Marivan Counties). *The journal of Police Geography*, 6(24), 37-66.[In Persian].
- Labonté, R., Hadi, A., & Kauffmann, X. (2011). *Indicators of social exclusion and inclusion: A critical and comparative analysis of the literature*. Phirn Working Papers.
- Levitas, R., Pantazis, C., Fahmy, E., Gordon, D., Lloyd-Reichling, E., & Patsios, D. (2007). *The multi-dimensional analysis of social exclusion*. University of Bristol.
- Mahmoodi, M.A., & Moradi, A. (2021). Kolbari, the outcome of policies oriented to underdevelopment (A qualitative study of Kolbars in Pave city). *Sociology of Culture and Art*, 3(3), 1-21, [In Persian].
- Newman, W.L. (2019). *Social research methods: qualitative and quantitative approaches*. Translated by Danaei Fard, H., & Kazemi, S.H., Tehran: Mehraban Nash. [In Persian].
- Popay, J. (2010). Understanding and tackling social exclusion. *Journal of Research in Nursing*, 15(4),